

پژوهشهای حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۵

هزار و سیصد و نود و هفت - پاییز

۷	• توسعه نسل‌های حقوق بشر در تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری حسین یزدانی - دکتر حسین آل کجباف - دکتر سید قاسم زمانی - دکتر حسن سواری
۳۳	• انتقال مالکیت و اجاره اشیاء فضایی موجود در مدار در پرتو حقوق بین‌الملل فضایی حسنا خالوندی - دکتر سید هادی محمودی
۵۵	• ارتباط حق بر غذا و سیاست‌های تجارت جهانی کشاورزی: تعامل یا تقابل؟ دکتر فرهاد طلایی - علی رزم‌خواه
۸۳	• تحلیل حقوقی - اقتصادی ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ دکتر فیصل عامری - مسلم حاج‌محمدی
۱۱۳	• دگردیسی مفهوم نظریه تفکیک قوا به مفهومی کارکردی دکتر محمدرضا ویژه - زهره‌سادات امیرآفتابی
۱۴۵	• برابری و عدم تبعیض در نظام حقوق بشر علی سالاری
۱۷۱	• اعتراض ثالث به رأی ورشکستگی در آیینۀ روبه قضایی دکتر نعمت‌اله حاجعلی - ابوذر کوهنورد
۱۹۹	• ترور هدفمند: نقض اصل عدم تقابل در تعهدات بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه دکتر هاله حسینی اکبرنژاد - دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد
۲۴۳	• گسترۀ مسئولیت محقق در برابر خسارات زیست‌محیطی ناشی از تحقیقات دانشگاهی کوثر فیروزپور
۲۶۳	• راهکارهای برون‌رفت از بن‌بست‌های مذاکراتی و حل تعارض مسائل نفتی دکتر محمد علیخانی
۲۸۷	• تأثیر فقه اسلامی در شکل‌گیری حقوق کامن‌لا برهام محمد عطاءالله - ترجمه: حمزه امینی‌نسب





ترور هدفمند: نقض اصل عدم تقابل در تعهدات بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

دکتر هاله حسینی اکبرنژاد* - دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد**

چکیده:

هدف‌گذاری برخی افراد و مبادرت به ترور ایشان، از جمله اقداماتی می‌باشد که در سال‌های اخیر موجب طرح انتقادات زیادی در جامعه بین‌المللی شده است. متهمین اصلی اقدام به «ترور هدفمند» در سال‌های اخیر، آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌باشند که رویه آنها، نقض ممنوعیت توسل به زور و نیز نقض آشکار موازین حقوق بشردوستانه مانند اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان، اصل تناسب و غیره احراز شده است. همچنین این اقدامات مغایر با تعهد احترام و تضمین حقوق بنیادین بشر از جمله حق حیات انسان‌ها و نیز قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه دانسته شده است، تعهداتی که با توجه به اهمیت و جایگاه بالای آنها در جامعه بین‌المللی به منزله تعهداتی با ماهیت غیرتقابلی مورد پذیرش قرار گرفته است. عمده ادله مدافعین ترور هدفمند، حول مفهوم «جنگ با تروریسم» متمرکز است که البته به عقیده بسیاری از حقوقدانان با توجه به قلمرو گسترده زمانی و مکانی که برای آن تعیین شده است، محل چالش می‌باشد.

کلیدواژه‌ها:

ترور هدفمند، توسل به زور، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه، تروریسم، مخاصمه مسلحانه.

مقدمه

ترور هدفمند پدیده بدیعی در عالم واقع و یا به عنوان یک موضوع حقوقی جدید نمی‌باشد، بلکه در طول تاریخ همواره برخی دولت‌ها با افرادی که به منزله دشمن عمومی یا خصوصی برای آنها قلمداد می‌شوند، به مقابله پرداخته‌اند و آثار متعددی در این رابطه به رشته تحریر درآمده است. در طول نیمه دوم قرن بیستم، بحث در مورد ترور هدفمند دولتی غالباً متمرکز شد بر اقدامات انجام‌شده توسط مأموران سرویس‌های سرّی یا بخش‌های نظامی مخفی که در جریان جنگ سرد و نیز در طی مخاصمه اعراب - رژیم صهیونیستی محقق گردید. با توجه به تردیدی که در مشروعیت چنین اقداماتی وجود داشت، این اقدامات تا حد زیادی پنهان و مخفی گردید. در همین زمان تلاش‌هایی از جانب مخالفان برخی دولت‌ها یا نظام‌های سیاسی انجام گرفت، از جمله: گروگان‌گیری، هواپیماربابی و بمباران برای اهداف سیاسی نظیر تحرکات ایرلند شمالی و آشوب‌های انجام‌گرفته در ایتالیا و آلمان و نیز تلاش برای آزادی فلسطین از اشغال که چالش‌هایی را برای مقابله با آنها مطرح نمود. در نتیجه، برخی دولت‌ها بخش‌هایی برای مقابله، در نیروهای امنیتی و پلیس خود ایجاد نمودند. با این وجود، تاکنون مشروعیت ترورهای هدفمند در سطح وسیع مورد انتقاد قرار گرفته است و از آن به عنوان پدیده‌ای یاد کرده‌اند که خود منجر به تبانی، فساد و اقدامات خودسرانه می‌شود. بیشترین چالش‌های مطرح در مورد ترور هدفمند از منظر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بوده است، زیرا در واقع آنچه هدف گرفته می‌شود حیات افراد بشر است که مهم‌ترین و اساسی‌ترین حق انسانی و بشری قلمداد می‌شود و هدف اصلی و اولیه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نیز حمایت از آن و جلوگیری از ورود خسارت یا آسیب شدید به آن است. لذا رویکرد غالب در دو نظام حقوقی مذکور در جهت طرح انتقادات شدید به رویه برخی دولت‌ها خصوصاً آمریکا و رژیم صهیونیستی در مبادرت به ترور هدفمند در سطح وسیع و بدون لحاظ قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌باشد. مبنای اعتراض به اقدامات مذکور، استناد به ماهیت غیرتقابلی تعهدات دولت‌ها و دیگر بازیگران بین‌المللی در قبال احترام و تضمین قواعد بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است که در ذیل مبارزه با تروریسم یا دیگر دعاوی نیز به راحتی مخدوش نمی‌گردد. در این مقاله تلاش شده تا حد امکان ترور هدفمند از منظر آموزه‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مورد تحلیل قرار گیرد، ضمن اینکه نیم‌نگاهی به رویه دولتی در سال‌های اخیر نیز شده است.

۱- کلیات

۱-۱- تعریف

حقوقدانان برای عبارت «ترور هدفمند» تعاریف متعددی ارائه نموده‌اند که به برخی از آنها ایرادات عمده‌ای وارد می‌باشد.^۱ کامل‌ترین تعریفی که برای این مفهوم ارائه شده است، عبارت می‌باشد از:

«کاربرد نیروی کشنده توسط یک موضوع حقوق بین‌الملل با قصد، برنامه‌ریزی قبلی و عمد برای کشتن فردی اشخاص تعیین‌شده که در بازداشت مادی افراد ترورکننده نباشند.»^۲

۱-۲- عناصر و معیارهای تعریف

از تعریف فوق معیارهایی به شرح ذیل قابل برداشت است:

کاربرد نیروی کشنده:^۳ ترور هدفمند شیوه‌ای از استخدام نیروی مهلک یا کشنده علیه افراد انسانی است. در حالی که اغلب ترورهای هدفمند با کاربرد انواع مشخصی از سلاح‌ها بوده، اما محدودیتی برای شیوه‌های جایگزین سلب حیات انسان‌ها وجود ندارد. بنابراین مفهوم «نیروی کشنده» باید شامل هر شیوه خشونت‌آمیز، صرف‌نظر از ابزار مورد استفاده گردد که منجر به قتل افراد بشر می‌شود.

۱. برخی از مهم‌ترین تعاریف مطرح و ایرادات وارد بر آنها عبارتند از:

- «کشتار عمدی فرد یا گروهی از افراد که با موافقت (تأیید) صریح دولتی انجام می‌گیرد.»
- «قتل عمدی فرد معینی که در چارچوب مواد پیش‌نویس مسئولیت دولت، به یک دولت منسوب می‌شود.»
- «حمله علیه تروریست‌های فردی با برنامه‌ریزی قبلی صرف‌نظر از مشروعیت یا عدم مشروعیت آنها.» البته این تعریف به نظر می‌رسد از جامعیت کافی برخوردار نیست و به گروه خاصی از افراد محدود شده است.
- «هدف‌گذاری یک تروریست مظنون که در سرزمین دولت مهاجم به سر نمی‌برد.»
- «کاربرد عمدی سلاح‌های کشنده علیه جسم (بدن) یک فرد.»

تعاریف فوق هر یک، جنبه‌ای از «ترور هدفمند» را دربرمی‌گیرد و هیچ‌کدام تعریف جامعی نمی‌باشند.

2. The Use of Lethal Force Attributable to a Subject of International Law with the Intent, Premeditation and Deliberation to Kill Individually Selected Persons who are not in the Physical Custody of Those Targeting Them.

3. Use of Lethal Force

قصد، برنامه‌ریزی قبلی و عمد برای کشتن:^۴ عنصر قصد، مستلزم آن است که اقدام مورد نظر به قصد کشتن فرد تعیین شده انجام گیرد که این مغایر با کاربرد بدون قصد، تصادفی، همراه با قصور یا بی‌احتیاطی نیروی کشنده است و عنصر برنامه‌ریزی قبلی، به این معناست که این قصد مبتنی بر انتخاب آگاهانه فرد است که مغایر با اقدامات ارادی ناشی از شور و هیجانات ناگهانی می‌باشد؛ و نیز عنصر عمد: یعنی که مرگ فرد تعیین شده، هدف واقعی اقدام باشد که این مغایر با حالتی است که مرگ فرد، نتیجه فرعی و ضمنی دیگر اهداف است.

هدف‌گذاری فردی اشخاص تعیین شده:^۵ این معیار، ترور هدفمند را از اقدامات مستقیم علیه اهداف جمعی، غیرمعیّن یا تصادفی متمایز می‌کند.

عدم بازداشت فیزیکی:^۶ هنگام ترور افراد هدف‌گذاری شده، نباید آنها در بازداشت فیزیکی افراد ترورکننده به سر برند. این معیار، ترورهای هدفمند را از اعدام‌های قضایی و غیرقضایی جدا می‌کند که هر دو مورد آنها اغلب با پیش‌فرض بازداشت فیزیکی فرد مورد نظر می‌باشند. اجازه قضایی (اختیار قضایی) برای ترور فرد هدف‌گذاری شده، تأثیری بر توجیه اقدام ترور هدفمند ندارد. به عبارت دیگر، ترور هدفمند یک محرومیت از حیات فارغ از بازداشت فرد است که لزوماً غیرقضایی نمی‌باشد.

منسوب بودن به یک موضوع حقوق بین‌الملل:^۷ ترور هدفمند در نظام حقوق بین‌الملل به یک موضوع حقوق بین‌الملل منسوب می‌باشد. موضوعات حقوق بین‌الملل در اصل دولت‌ها هستند، اما در وضعیت‌های خاص و برای اهداف محدود، ممکن است شامل بازیگران غیردولتی نیز شود. بنابراین سلب حیات منسوب به بازیگران غیردولتی نیز در ذیل عنوان ترور هدفمند قرار می‌گیرد. این معیار در تعریف، ترورهای هدفمند را از محرومیت‌هایی از حیات متمایز می‌کند که نه در حقوق بین‌الملل ممنوع شده و نه قانونمند شده‌اند، مانند کشتارهای بین‌المللی که یک جنایت بین‌المللی قلمداد نمی‌شوند و توسط افراد خصوصی برای اهداف غیرمرتبط با یک مخاصمه مسلحانه انجام گرفته‌اند.^۸

4. Intent, Premeditation and Deliberation to Kill.

5. Targeted of Individually Selected Persons.

6. Lack of Physical Custody.

7. Attributability to a Subject of International Law.

8. Nils Melzer, *Targeted Killing in International Law* (Oxford: Oxford University Press, 2008), 3-5.

۱-۳- ترمینولوژی

تاکنون عبارات مختلفی برای مفهوم ترور هدفمند به کار برده شده است. به بیان دیگر بسته به عواملی نظیر رویکرد آکادمیک، سیاسی یا نظامی عبارت متعددی می‌تواند جایگزین توصیف «ترور هدفمند مورد حمایت دولت» یا «State-Sponsored Targeted Killing» گردد. در اینجا به برخی از واژه‌های کاربردی اشاره می‌شود:

از جمله عبارات غیرتکنیکی به کار رفته عبارتند از:

Elimination, Neutralization, Liquidation, Interception

عبارات ترکیبی فلسفی‌تر یا دارای پشتوانه نظری بیشتر، عبارت می‌باشند از:

Targeted Liquidation, Targeted Elimination, Targeted Thwarting, Targeted Self-Defence, Preventive Liquidation, Preventive Killing, Selective Targeting, Strategic Elimination

ایرادی که به عبارات فوق وارد است، این می‌باشد که عبارات مزبور به اندازه کافی دقیق نیستند تا در حقوق بین‌الملل بتوان به صورت عینی و بدون پیش‌داوری به بررسی آنها پرداخت.

در دکتترین حقوقی و رویه قضایی سوئیس و آلمان عبارت «ترور هدفمند» و یا «Targeted Killing»^۹ به کار رفته است. محاسن کاربرد این عبارت آن می‌باشد که اولاً، از عینیت لازم برای بحث و بررسی برخوردار است و ثانیاً، حاوی پیش‌داوری در رابطه با قانونی بودن در حقوق بین‌الملل نیست و محدودیت‌های غیرضروری مانند شیوه‌های کاربردی یا انگیزه را ندارد.

عبارت «Targeted» به تنهایی ناظر بر عمدی بودن و شخصی بودن فرد انتخاب‌شده برای هدف‌گذاری است.

عبارت «Killing» هدف و قصد نهایی را عیان می‌کند.

به این ترتیب عبارت «Targeted Killing» بدون مخالفت اساسی و مبنایی در سطح وسیع در دکتترین حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته و حتی توسط دبیرکل ملل متحد^{۱۰} نیز به کار رفته است.^{۱۱}

9. Gezieltötung.

10. UNSG, Secretary - General Urges Middle East Parties to Avoid Escalation of Violence, Following Targeted Killings, Rocket Attacks, Press Release of 7 Feb. 2006, (SG/SM/10341).

11. Melzer, op.cit., 6-8.

۲- بررسی دکترین حقوقی معاصر

در نظام حقوق بین‌الملل، حمایت از حق حیات در حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مدنظر قرار گرفته است، البته دومی فقط ناظر بر زمان مخاصمات مسلحانه می‌باشد. از آنجایی که ترورهای هدفمند مورد حمایت دولت، با قلمروی حاکمیت دولت دیگر تداخل پیدا می‌کند، بحث در مورد آن در سطح بین‌المللی با قوانین داخلی دولت‌ها نیز ارتباط پیدا می‌کند. بنابراین در رابطه با بررسی حقوقی ترور هدفمند ما با سه نظام حقوقی مواجه هستیم:

۱. نظام حقوق بشردوستانه؛

۲. نظام حقوق بشر؛

۳. نظام حقوقی کشور ذی‌ربط.

که هر یک، از جنبه‌ای ویژه به مسئله نگاه می‌کند. اگرچه معمولاً مطرح می‌شود که قوانین داخلی کشورها درصدد حمایت از دولت می‌باشند، در حالی که قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به دنبال حمایت از افراد بشر در مقابل اعمال زور و قدرت هستند.

۲-۱- چالش مشروعیت ترور هدفمند در نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه

اغلب سؤالات کلیدی در رابطه با قانونی بودن ترور هدفمند در حقوق بشردوستانه حول این امر است که آیا مسائل مربوط با آن باید در زمینه^{۱۲} حقوق بشر مورد توجه قرار گیرد یا حقوق بشردوستانه. از آنجایی که قابلیت اعمال حقوق بشردوستانه مورد توجه است، به طور کلی وجود وضعیت مخاصمه مسلحانه به عنوان پیش‌فرض اولیه، مفروض می‌باشد.^{۱۳}

غالب بحث‌ها در رابطه با ترور هدفمند در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، بر عملکرد رژیم صهیونیستی و آمریکا متمرکز است و این سؤال که آیا جنگ علیه تروریسم در نظام حقوق بشردوستانه به عنوان مخاصمه بین‌المللی یا غیربین‌المللی مطرح می‌باشد. در واقع در وضعیت

12. Context.

۱۳. اکنون این مسئله مطرح است که آیا «جنگ علیه تروریسم» واقعاً یک جنگ است و اگر پاسخ مثبت باشد چه نوع جنگی است. تاکنون، یکی از ویژگی‌های «جنگ علیه تروریسم» عدم پذیرش اعمال مقررات حقوقی بر این جنگ است، حال آنکه یکی از اصول کلیدی چارچوب حقوق بشر آن است که هیچ «منطقه آزاد حقوق بشری» در جهان وجود ندارد و انسان‌ها به صرف انسان بودنشان از یک سری حقوق بنیادین بشری برخوردارند.

به علاوه برخلاف تصویری که برخی مقامات آمریکایی ترسیم می‌کنند، هیچ شکافی میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه که «جنگ علیه تروریسم» در حیطه آن قرار گیرد و از محدودیت‌های حقوق بین‌الملل به دور باشد، وجود ندارد. رک: پل هافمن، «حقوق بشر و تروریسم»، ترجمه علیرضا ابراهیم‌گل، مجله حقوقی بین‌المللی ۳۴

حاضر برخی حقوقدانان معتقدند که باید مفهوم حقوقی مخاصمه مسلحانه قدری بیشتر تبیین گردد.

چالش اجرای حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در وضعیت فلسطین اشغالی نیز توجهات زیادی را به خود جلب نموده است زیرا قدرت اشغالگر باید علاوه بر اعمال حقوق بشردوستانه به موازین و استانداردهای حقوق بشری نیز پایبند باشد. در این رابطه به طور کلی پذیرفته شده که خارج از رفتار متخاصمین، کاربرد نیروی کشنده علیه غیرنظامیان باید مشمول استاندارد حقوق بشری «اصل ضرورت» بسیار^{۱۴} شود.^{۱۵}

۲-۱-۱- عدم پذیرش ترور هدفمند به عنوان استثنائی بر اصل ممنوعیت توسل به زور
 مبنای بحث مبتنی بر این واقعیت است که هر ترور هدفمند مورد حمایت دولت (دولتی) که در قلمروی حاکمیت دولت دیگر انجام گیرد، در ذیل ممنوعیت توسل به زور مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، قرار می‌گیرد و بنابراین باید مطابق با استثنائات مقرر در حقوق بین‌الملل به نحوی توجیه‌پذیر باشد.^{۱۶} شرایط استثنائی دوگانه توجیه ترور هدفمند فراسرزمینی به طور قطع شامل رضایت و دفاع مشروع می‌شود و علاوه بر آن به نظر می‌رسد که ضرورت و اضطرار نیز می‌تواند عوامل قابل قبول شمرده شود.^{۱۷} از نقطه نظر مفهومی، اختیارات شورای امنیت ملل متحد یک استثنای مستقل نمی‌باشد بلکه مبتنی بر رضایت قبلی همه دولت‌های عضو منشور ملل متحد است که در مورد اختیارات سازمانی شورای امنیت ابراز گردیده است. بنابراین شورای امنیت نمی‌تواند قانوناً اختیارات خود را فراتر از آن رضایت گسترش دهد. از

14. Strict Necessity.

15. Melzer, op.cit., 55.

۱۶. «رویه بعدی» دولت‌های عضو یک معاهده، به عنوان یکی از راه‌های محتمل برای اصلاح ضمنی معاهده، مورد قبول بسیاری از حقوقدانان بوده و در آرای قضایی و داوری نیز به رسمیت شناخته شده است. حال سؤال مطرح آن است که آیا ممنوعیت تهدید و توسل به زور، به عنوان یک تعهد قراردادی و معاهداتی مندرج در منشور ملل متحد، در اثر رویه بعدی دولت‌های عضو معاهده مورد اصلاح و تغییر واقع شده است؟ رک: جمشید ممتاز و بهزاد صابری انصاری، «تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل «منع تهدید و توسل به زور»»، فصلنامه راهبرد ۶۳ (۱۳۹۱) ۱۸۰-۱۷۵.

۱۷. اکنون به نظر می‌رسد که حقوق حاکم بر دفاع مشروع تحول یافته و انجام اقدام نظامی علیه تروریست‌ها و پایگاه‌های آنها را پذیرفته است. حتی دکترین بحث‌برانگیز جنگ پیشگیرانه که در سند استراتژی ملی ایالات متحده آمریکا آمده ممکن است با هنجارهای در حال تحول دفاع مشروع سازگار شود اگرچه شیوه طرح این دکترین در بحران عراق بسیار فراتر از حقوق موجود بود. ایان جانسون، «دفاع ضرورت در گفتمان حقوقی بین‌المللی: مداخله بشردوستانه و مبارزه با تروریسم»، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، مجله حقوقی ۳۵ (۱۳۸۵) ۲۹۵.

این دیدگاه، ترور هدفمندی که نمی‌تواند بر مبنای یکی از استثنائات مندرج در حقوق بین‌الملل توجیه شود، در ذیل ممنوعیت آمرانه تجاوز قرار می‌گیرد. به طور مثال می‌توان به قطعنامه ۶۱۱ شورای امنیت اشاره نمود که در آن ترور ابوجهاد توسط رژیم صهیونیستی در تونس به منزله «تجاوز» قلمداد گردید.^{۱۸}

لازم به ذکر است که حقوق ناظر بر ممنوعیت توسل به زور استثنائاً ترور هدفمند را فقط در رابطه با دولت قربانی مجاز می‌داند. البته ممکن است در شرایطی ترور هدفمند بر مبنای رضایت دولت سرزمینی یا حق دفاع مشروع از نظر بین‌المللی، قابل قبول باشد. البته در چنین وضعیتی نیز نه حقوق بشر و نه حقوق بشردوستانه کاربرد زور کشنده را علیه فرد هدف‌گذاری شده تأیید نمی‌کنند و اقدامات جایگزینی نظیر بازداشت یا دستگیری مطابق این دو نظام اخیر مجاز می‌باشد. با این وجود، قابل تصور است که تعقیب و ترور هدفمند یک فرمانده شورشیان نیز در نظام‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مشروع باشد، اما شرایط و ملزومات توسل به زور در رابطه با دولت قربانی اجرا نمی‌شود. بنابراین، ممنوعیت ترورهای هدفمند به عنوان شکلی از توسل به زور و استثنائات آن با استناد به توجیهاتی بر مبنای رضایت و دفاع مشروع در نظر گرفته شده است، و انحصاراً مرتبط با این مسئله است که آیا یک ترور هدفمند معین، حقوق دولت دیگر را نقض می‌کند یا خیر و در ذیل بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد قرار می‌گیرد. پاسخ به این سؤال هرچه باشد تأثیری بر جواز ترور هدفمند در رابطه با فرد هدف‌گذاری شده، ندارد. از نقطه نظر تئوریک، این مسئله دوم به اولی مرتبط نیست و مستلزم یک احراز جداگانه با استناد به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است.^{۱۹}

۲-۱-۲- معضل مفهومی یا تئوریک دفاع مشروع در توجیه ترور هدفمند

یکی از مهم‌ترین دلایلی که برخی دولت‌ها از جمله آمریکا در توجیه ترور هدفمند به آن استناد می‌کنند، دفاع مشروع می‌باشد، حال آنکه این امر در نظام حقوق بشردوستانه به منزله استثنائی بر اصل ممنوعیت توسل به زور و از اهمیت بالایی برخوردار است و دارای مفهوم مشخص و شرایط معینی می‌باشد، اگرچه در سال‌های اخیر در جهت توسعه آن گام‌هایی

18. UNSC Resolution 611 of 25 April 1988.

19. Melzer, op.cit., 74-75.

برداشته شده است.^{۲۰} در اینجا به اختصار چند نمونه از موارد استناد آمریکا به دفاع مشروع و تحلیل و نقد برخی حقوقدانان بررسی خواهد شد:

تحلیلی بر حادثه ترور سرنشینان یک ماثین در یمن (۲۰۰۲): یک کامیون متعلق به سیا، به خودرویی که حامل شش نفر از مظنونان القاعده بود، شلیک کرد که در اثر آن هر شش نفر کشته شدند. این اقدام، اولین اقدام ترور هدفمند آمریکا خارج از قلمروی افغانستان بود. بوش، سیا و مقامات یمن از اعلان واقعه ناراضی بودند.^{۲۱} با این حال، علی‌رغم اعتراضات و انتقادات برخی مقامات و نهادهای حقوق بشری، دولت آمریکا اقدام خود را به عنوان «عملیات نظامی علیه رزمندگان نظامی» توجیه نمود.

بند ۴ ماده ۲ منشور مقرر می‌کند: «کلیه اعضاء باید از توسل به زور یا تهدید به آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور اجتناب کنند.» که از آن به اصل منع توسل به زور یاد می‌شود و از قواعد آمره بین‌المللی است. البته این اصل دو استثناء دارد:

(۱) دفاع مشروع (ماده ۵۱)؛

(۲) اقدامات شورای امنیت برای حمایت یا بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی که از جمله شامل کاربرد نیروی نظامی می‌شود (ماده ۴۲).

حقوقدانان معتقدند اقدام آمریکا در حادثه مزبور در ذیل هیچ‌کدام از استثناءها نمی‌گنجد، چراکه اولاً، حمله مزبور به فاصله یک سال از واقعه ۱۱ سپتامبر انجام گرفته و این فاصله زمانی مانع از پذیرش توجیه دفاع مشروع است، زیرا در دفاع مشروع ضرورت و فوری بودن اقدام از جمله شرایط لازم می‌باشد. البته ترورهای هدفمند انجام گرفته توسط آمریکا پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، عمدتاً از نظر سیاسی و روانی با آن ارتباط داده می‌شوند که در نظام حقوق بین‌الملل چندان قابل قبول نمی‌باشد؛ ثانیاً، در رابطه با اقدامات و مجوز شورای امنیت، اگرچه دولت‌ها مطابق قطعنامه ۱۳۷۳^{۲۲} از مأموریت اتخاذ کلیه اقدامات ضروری برای پیشگیری از ارتکاب اقدامات تروریستی برخوردار شدند، اما این قطعنامه به زعم برخی حقوقدانان حتی اگر

20. David Kretzmer, "Targeted Killing of Suspected Terrorists: Extra-Judicial Executions or Legitimate Means of Defence?," *Eur J Int Law* 16 (2005): 171-212.

۲۱. آگاهی از **دکترین بوش**، اصول سیاست خارجی آمریکا را به خوبی نمایان می‌سازد. دکترین بوش دربرگیرنده چهار مؤلفه اصلی است، که عبارتند از: (۱) حمله پیش‌دستانه؛ (۲) یک‌جانبه‌گرایی؛ (۳) اشاعه دموکراسی و (۴) جنگ با تروریسم. برای مطالعه بیشتر رک: علی مختاری، «جایگاه نبرد با تروریسم در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا»، *فصلنامه راهبرد* ۴۸ (۱۳۸۷): ۱۸۱-۱۸۰.

22. SCRes. 1373 (2001), 28 September 2001.

توجهی برای حمله به افغانستان قلمداد شود در رابطه با ترور انجام گرفته در یمن قابل استناد نیست.^{۲۳}

تحلیلی بر حادثه ترور انوار الاولکی^{۲۴}: وی یکی از رؤسای القاعده به شمار می‌رفت که چند روز پس از قتل بن‌لادن، در یمن برای ترور مورد هدف‌گذاری قرار گرفت که البته نافرجام بود. قتل اسامه بن‌لادن توسط نیروهای آمریکایی در مه ۲۰۱۱ بسیار چالش‌برانگیز بود. برخی مطرح نمودند که انوار الاولکی می‌تواند به عنوان بن‌لادن بعدی معرفی شود، با این حال مسئله قابل تأمل آن بود که وی در زمان ترور در منطقه‌ای خارج از عرصه مخصوصه به سر می‌برد. آنچه بیش از هر چیز مورد استناد آمریکا در این اقدام قرار می‌گیرد، «جنگ جهانی علیه تروریسم» است. این در حالی می‌باشد که هنوز توافق کاملی در مورد مفهوم «تروریسم» به اذعان برخی حقوقدانان وجود ندارد.^{۲۵}

برخی نزدیکان الاولکی تلاش زیادی کردند تا با کمک اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا و مرکز حقوق بنیادین بتوانند از نظر قضایی اثبات کنند که کاربرد نیروی کشنده علیه وی، یک اعدام غیرقضایی بوده است. از سوی دیگر دولت آمریکا هنوز هم از اینکه اقداماتش را ذیل نظام حقوق بشر توجیه کند، ناتوان است و اغلب برای توجیه، آنها را در ذیل حقوق مخاصمات و دفاع مشروع قرار می‌دهد. همچنین دولت آمریکا به شدت در مقابل اعمال فراسرزمینی حقوق بشر از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقاومت می‌کند.^{۲۶}

23. See: Chris Downes, "Targeted Killings in an Age of Terror: the Legality of the Yemen Strike," *Journal of Conflict & Security Law* 9(2) (2004): 277-286.

24. Anwar Al-Awlaki.

۲۵. به عقیده برخی حقوقدانان، تروریسم مفهومی است سهل و ممتنع. در حقیقت موج گسترده مبارزه با تروریسم و کثرت استعمال این واژه در ادبیات سیاسی و حقوقی بین‌المللی کمتر کسی را به تأمل در مفهوم دقیق این واژه وامی‌دارد، در حالی که هنوز تعریفی عام و دقیق از این واژه در متون معتبر و قابل استناد بین‌المللی ارائه نشده است. با این حال، خشونت‌آمیز بودن، ایجاد رعب و وحشت و انگیزه سیاسی خصایص مشترک کلیه اقدامات تروریستی محسوب می‌شود. رک: سیدقاسم زمانی، «جایگاه موازین بین‌المللی حقوق بشر در مبارزه با تروریسم»، *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۸ (۱۳۸۴)، ۴۳-۴۴؛ برای مطالعه بیشتر، رک: حسن سواری، مترجم، «مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین‌الملل: خطرات و فرصت‌ها»، *مجله حقوقی* ۲۹ (۱۳۸۲)، ۳۳۴-۳۴۰.

۲۶. لیکن انتشار تصاویر تأسف‌برانگیز ابوغریب نشان داد که مشکل تنها به مسئله دفاع مشروع بازمی‌گردد، بلکه نفس واکنش اتخاذشده تحت عنوان دفاع مشروع نیز نیازمند رعایت ضوابط مربوط به ارزش‌های جهان‌شمول است. رک: سلمان عمرانی، «پارادایم جنگ علیه تروریسم و کرامت انسانی»، *فصلنامه سیاست خارجی* سال بیست و دوم شماره ۴ (۱۳۸۷)، ۴۴۱.

با توجه به اینکه ترور هدفمند افراد در قلمروی دولت‌های دیگر و خارج از عرصه مخاصمات مسلحانه توجیه‌پذیر نیست، تنها گزینه باقی «دفاع مشروع» می‌باشد.^{۲۷}

توجیهات آمریکا با استناد به این چارچوب حقوقی عبارتند از:

- وقایع ۱۱ سپتامبر یک حمله مسلحانه قلمداد می‌شود؛
- اعضای القاعده در طراحی حملات تروریستی دخالت دارند که تهدید جدی و فوری علیه حیات قلمداد می‌شود.

با این حال در مورد ترور هدفمند بازیگران غیردولتی که در قلمروی دولت‌های دیگر هستند، معضلات مفهومی و نظری بسیاری وجود دارد که بتوان آنها را در چارچوب دفاع مشروع توجیه نمود. حق دفاع مشروع برای دولت قربانی علیه بازیگران غیردولتی مشغول به فعالیت‌های تروریستی در قلمروی آن دولت به رسمیت شناخته شده است. همچنین در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای «نیکاراگوئه - آمریکا»^{۲۸} و «کنگو - اوگاندا»^{۲۹} و نظریه مشورتی دیوار حائل^{۳۰}، رهیافت مضیقی از دفاع مشروع پذیرفته شده است مبنی بر اینکه باید در مقابل حمله نظامی منتسب به یک دولت باشد. به ترتیب به عقیده برخی حقوقدانان مهم‌ترین معضلات مفهومی یا تئوریک دفاع مشروع، استناد به آن علیه بازیگران غیردولتی و نیز در قلمروی دولت دیگر است. به هر حال به نظر می‌رسد در صورت پذیرش دفاع مشروع خارج از قلمروی دولت، مسئله اعمال فراسرزمینی تعهدات حقوق بشری می‌تواند به منزله یک اهرم بازدارنده برای دولت‌های اقدام‌کننده، قلمداد شود تا نتوانند به هر وسیله و ابزاری توسل جویند.^{۳۱}

۲-۲- تعارض برخی موازین حقوق بشر دوستانه در تحلیل ترور هدفمند

حقوق بشر دوستانه با هدف حمایت از افراد انسانی در مواقع جنگ و مخاصمات تنظیم شده است. در واقع شاید به دلایل متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نتوان در مقابل

۲۷. در این رابطه مفاهیمی مانند، «دفاع پیش‌دستانه» و «دفاع پیشگیرانه» نیز مطرح گردیده، که البته حقوقدانان در رابطه با آنها اختلاف نظر دارند. رک: سید فضل‌الله موسوی و مهدی حاتمی، «دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی* ۷۲ (۱۳۸۵)، ۳۰۸-۳۰۷.

28. *Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States) (Merits)*, 1986, ICJ, Rep 14.

29. *Armed Activities on the Territory of the Congo (DRC v Uganda)* 2005, ICJ, Rep 201.

30. *Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory (Advisory Opinion)* 2004, 43 ILM 1009.

31. Micheal Ramsdeh, "Targeted Killings and International Human Rights: the Case of Anwar Al-Awlaki," *Journal of Conflict & Security Law* 16(2) (2011): 385-391.

پدیده جنگ ایستادگی کرد، اما این بدان معنا نیست که باید در برابر آثار مخرب آن ساکت و بدون هیچ عکس‌العملی نشست. بلکه همواره سعی و تلاش بر این بوده که تا حد امکان دامنه آسیب و خسارات ناشی از جنگ خصوصاً در رابطه با افراد انسانی محدود شود. اصول و موازین بشردوستانه در همین راستا محدودیت‌هایی برای متخصصین ایجاد نموده است، در اینجا به مواردی از آن اشاره می‌شود که در تحلیل ترور هدفمند از منظر حقوق بشردوستانه مورد توجه قرار گرفته است:

۲-۱-۲- اصل تفکیک و ممنوعیت حمله به غیرنظامیان

اصل تفکیک میان نظامی و غیرنظامی یکی از قواعد مهم حقوق بشردوستانه بین‌المللی است و عدم رعایت آن در مخاصمات دهه‌های اخیر منجر به قربانی شدن شمار زیادی از غیرنظامیان شده است. بر همین مبنا شورای امنیت در دهه اخیر بارها طی بیانیه‌ها و قطعنامه‌هایی از دولت‌ها خواسته که در مخاصمات بین‌المللی و غیربین‌المللی به اصل تفکیک احترام بگذارند.^{۳۳} دبیرکل هم از سال ۱۹۹۹ تاکنون گزارش‌های متعددی در خصوص حمایت از افراد غیرنظامی در جریان مخاصمات مسلحانه ارائه کرده است^{۳۳} و همین امر می‌تواند دال بر اهمیت مسئله باشد.^{۳۴} رویه دولت‌ها نیز نشان می‌دهد که اصل تفکیک میان نظامی و غیرنظامی به عنوان یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل هم در مخاصمات بین‌المللی و هم در مخاصمات داخلی اعمال می‌شود. قاعده مذکور به منظور حمایت از افرادی است که در مخاصمات مشارکت مستقیم ندارند و این حمایت مادام ادامه دارد که افراد غیرنظامی مستقیماً در مخاصمه شرکت نکنند.^{۳۵}

32. S/RES/1674 (28 April 2006); S/RES/1296 (19 April 2000); S/RES/1265 (17 Sep 1999).

33. SG Report to the Security Council on Protection of Civilians in Armed Conflict (28 May 2006); SG Report to the Security Council on Protection of Civilians in Armed Conflict (30 Nov 2005); SG Report to the Security Council on Protection of Civilians in Armed Conflict (28 May 2005); SG Report to the Security Council on Protection of Civilians in Armed Conflict (30 Nov 2002).

۳۴. دبیرکل در گزارش سال ۲۰۰۶ خود اذعان می‌کند که اگرچه تعداد مخاصمات از حدود ۵۰ مخاصمه در سال ۱۹۹۲ به ۳۰ مخاصمه در سال ۲۰۰۴ کاهش یافته، ولی از آنجایی که شکل مخاصمات از حالت سنتی خارج شده و بیشتر جنبه داخلی پیدا کرده، امکان اعمال قواعد حقوق بشردوستانه به صورت شفاف توسط دولت‌ها و نظارت بر اجرای این قواعد تا حد زیادی از بین رفته و همین امر باعث قربانی شدن شمار زیادی از غیرنظامیان در جریان مخاصمات شده است. رک:

SG Report to the Security Council on Protection of Civilians in Armed Conflict, 28 May 2006.

35. J. M. Henckaerts and Louise Doswald-Beck (editors), *Customary International Law* (Cambridge: Cambridge University Press, 2005), Vol. 1, 3.

با این وجود بسیاری از دولت‌ها سعی دارند با استناد به «ضرر و زیان جنبی و اجتناب‌ناپذیر» ناشی از حمله، اصل تفکیک میان نظامی و غیرنظامی و ممنوعیت حمله مستقیم و هدفمند علیه افراد غیرنظامی را نادیده بگیرند و اقدامات خود را از این طریق توجیه نمایند. باید توجه داشت که این استناد در صورتی می‌تواند مورد قبول واقع شود که حمله به افراد غیرنظامی، عامدانه و از پیش تعیین‌شده نباشد، چه‌بسا ممکن است حمله به افراد غیرنظامی در اثر خطای انسانی یا ابزارهای جنگی باشد و یا به دلیل عدم وجود هدف نظامی مشخص صورت بگیرد.^{۳۶} همین استناد به ضرر و زیان اجتناب‌ناپذیر از جمله دلایلی است که در مورد کشته شدن غیرنظامیان در جریان انجام عملیات ترورهای هدفمند مطرح گردیده است. در واقع یکی از مسائل مهم در رابطه با ترور هدفمند شرایط نادیده گرفتن اصل تفکیک و حمله به غیرنظامیان است، چراکه در اغلب موارد دولت‌های مرتکب ترور هدفمند به همین موارد استثناء استناد می‌کنند، لذا از منظر حقوق بشردوستانه و خصوصاً با لحاظ تحولات اخیر لازم است موارد استثنای اصل ممنوعیت حمله به غیرنظامیان مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد.

۲-۲-۲- مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمات

از جمله مواردی که چتر حمایتی حقوق بشردوستانه از غیرنظامیان برداشته می‌شود، احراز مشارکت مستقیم آنها در مخاصمه است. در رابطه با این مسئله که چگونه «مشارکت مستقیم در مخاصمات» محقق می‌شود و در نتیجه امکان حمله علیه غیرنظامیان به وجود می‌آید، در رأی ۱۴ دسامبر ۲۰۰۶ دیوان عالی رژیم صهیونیستی با موضوع بررسی سیاست رژیم صهیونیستی در انجام ترور هدفمند، به نکات مهمی اشاره شده است از جمله اینکه غیرنظامیان می‌توانند به طور کلی مبارزان را علیه نیروهای دشمن مورد پشتیبانی و حمایت قرار دهند اما نباید به طور مستقیم در مخاصمات شرکت کنند و به رزمندگان غیرقانونی، غذا و دارو بفروشند. در هر حال نکته بسیار مهم آن است که همواره مبارزان باید در رابطه با غیرنظامیان رعایت جنبه احتیاط را نمایند تا از حمله علیه آنها اجتناب نمایند. همچنین رأی مزبور اقسام غیرنظامیانی را که در مخاصمات مشارکت مستقیم دارند، به این صورت شمرده است:

36. Y. Dinstein, *The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflict* (Cambridge: Cambridge University Press, 2004), 115-116.

- افرادی که اطلاعات جاسوسی درباره ارتش دشمن جمع‌آوری می‌کنند؛
 - افرادی که به حمل‌ونقل رزمندگان غیرقانونی به جبهه و یا از آن اقدام می‌کنند؛
 - افرادی که در هر مکان حضور داشته باشند اما سلاح‌های کاربردی توسط رزمندگان غیرقانونی را تهیه یا چنین عملیاتی را اداره کنند و یا به آنها خدماتی ارائه نمایند؛
 - غیرنظامیانی که عمده‌اً به عنوان سپر انسانی برای نظامیان قرار می‌گیرند؛
 - غیرنظامیانی که اقدام به حمل مهمات برای جبهه می‌کنند؛
 - غیرنظامیانی که سربازگیری و یا برای مخاصمات فرستاده می‌شوند؛
 - غیرنظامیانی که مخاصمات مسلحانه را طراحی و یا اداره می‌کنند.
 - و بالعکس، غیرنظامیانی که در مخاصمات، مشارکت مستقیم ندارند عبارت می‌باشند از:
 - افرادی که به رزمندگان غیرقانونی از طریق ارائه تحلیل‌های استراتژیک کلی کمک می‌کنند؛
 - افرادی که از رزمندگان غیرقانونی حمایت مالی و یا تدارکاتی (لجستیکی) کلی به عمل می‌آورند؛
 - افرادی که برای رزمندگان غیرقانونی تبلیغات انجام می‌دهند.
- در مورد تقسیمات مذکور دیدگاه‌های مختلفی (موافق و مخالف) مطرح شده است، با این وجود به نظر می‌رسد می‌توان با استناد به آنها در جهت شناسایی افرادی که هدف‌گذاری شده‌اند به عنوان غیرنظامیانی که در مخاصمه مشارکت مستقیم داشته‌اند یا خیر، اقدام نمود. البته نکته قابل تأمل آن است که مرز میان غیرنظامیان مشمول حمایت و غیرنظامیانی که در مخاصمه مشارکت مستقیم دارند یک حوزه خاکستری است که تشخیص و احراز در آن به راحتی میسر نمی‌باشد. بر همین اساس، در جهت حفظ غیرنظامیان، توصیه‌هایی به متخاصمین شده است، از جمله اینکه:
- ضرورت تحقیق گسترده و جامع از هویت و فعالیت غیرنظامیانی که مظنون به مشارکت در مخاصمه هستند؛
 - تلاش برای کاربرد شیوه‌هایی نظیر بازداشت و یافتن جایگزین به جای کاربرد سلاح‌های کشنده؛
 - تحقیق جامع بعد از وقوع حمله تا احراز شود که آیا غیرنظامیان هدف، مشمول حمایت بوده و یا در مخاصمه مشارکت مستقیم داشته‌اند؛

• پرداخت غرامت در مواردی که غیرنظامیان هدف‌گذاری شده، مشمول حمایت‌های مقرر در حقوق بشردوستانه، خصوصاً اصل تفکیک بوده‌اند؛^{۳۷}

به این ترتیب در چند دهه اخیر مفهوم مشارکت مستقیم غیرنظامیان در مخاصمه مسلحانه دارای اهمیت زیادی گردیده است، زیرا برخی دولت‌ها با استناد به آن در جهت نقض اصل تفکیک در نظام حقوق بشردوستانه و انجام حمله علیه غیرنظامیان اقدام نموده‌اند.

از سال ۲۰۰۳، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با کمک یک مؤسسه دیگر^{۳۸}، تحقیقی در مورد مشارکت مستقیم در مخاصمات را در حقوق بشردوستانه انجام داده‌اند^{۳۹} که نشست‌ها و جلسات کارشناسان ذی‌ربط در لاهه برگزار می‌شود. رأی ۱۴ دسامبر ۲۰۰۶ دیوان عالی رژیم صهیونیستی، متأثر از یافته‌های تحقیق مزبور است. در این رأی بررسی شده که آیا اقدام رژیم صهیونیستی مبنی بر «ترورهای هدفمند پیشگیرانه»^{۴۰} که منجر به قتل افرادی گردیده، در چارچوب حقوق بشردوستانه توجیه‌پذیر است یا خیر؟ چنانچه بنا بر آمار در بازه زمانی ۲۰۰۵-۲۰۰۰، حدود ۳۰۰ نفر توسط رژیم صهیونیستی هدف‌گذاری و کشته شدند و نزدیک به ۱۵۰ نفر نیز از غیرنظامیان حاضر در اطراف عملیات، جان خود را از دست دادند.

به نظر دیوان عالی، موضوع ترور هدفمند در ذیل نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار دارد و اصل تفکیک به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه باید اعمال شود و افراد شرکت‌کننده در مخاصمات را متعهد می‌کند که در روند هدف‌گذاری، میان اهداف مشروع و غیرمشروع تفکیک قائل شوند و حملات مستقیم را فقط علیه اهداف مشروع نظامی سازمان‌دهی کنند. اهداف نظامی هم شامل افراد و هم شامل اموال می‌گردد و البته تنها افرادی که هدف نظامی قلمداد می‌شوند، عبارتند از: رزمندگانی که مجروح یا زمین‌گیر نشده‌اند و علیه دشمن حمله می‌کنند. به این ترتیب افراد یا نظامی هستند و یا غیرنظامی و شق سومی وجود ندارد، لذا در حملاتی نیز که با عنوان ضدتروریستی انجام می‌گیرد و طرف مقابل در اغلب موارد در زمره غیرنظامیان است، باید اصل تفکیک و نیز مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمه لحاظ گردد.

37. Antonio Cassese, "On Some Merits of the Israeli Judgment on Targeted Killings," *J Int Criminal Justice* 5 (2007): 343-344

38. TMC Asser Institute.

39. CRC & TMC Asser Institute: Direct Participation in Hostilities under IHL.

40. Preventive Strikes Targeted Killings.

در برخی معاهدات حقوق بشردوستانه نیز، مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمه مسلحانه مورد توجه قرار گرفته است،^{۴۱} همچنین قاعده ۶ قواعد عرفی حقوق بشردوستانه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز مقرر می‌کند: «غیرنظامیان علیه حملات مورد حمایت قرار می‌گیرند مگر اینکه در مخاصمات مشارکت مستقیم پیدا کنند.»

دیوان عالی رژیم صهیونیستی در رأی ۱۴ دسامبر ۲۰۰۶، تأکید نموده که قاعده عرفی مذکور در مورد رژیم صهیونیستی نیز قابل اجراست.^{۴۲}

آقای کاسسه در نظریه کارشناسی خود به دیوان عالی رژیم صهیونیستی در مورد سیاست رژیم صهیونیستی در مورد ترور هدفمند مطرح نمود که مطابق نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه، فقط رزمندگان و غیرنظامیانی که مستقیم در مخاصمات شرکت نموده‌اند از نظر قانونی می‌توانند هدف قرار گیرند. برعکس غیرنظامیانی که در عملیات نظامی مداخله نداشته‌اند نباید قانوناً هدف قرار گیرند، حتی اگر مظنون به ترور بسم باشند.

مشارکت مستقیم در مخاصمات نیز با تفسیر مضیق از مقررات مربوطه، محدود به مشارکت یا مداخله فعال شهروندان در مبارزه است و در این شرایط نیروهای نظامی اجازه حمله را پیدا می‌کنند، اما در هر اوضاع و احوالی جز این شرایط، هدف‌گذاری غیرنظامیان در نظام حقوق بشردوستانه ممنوع می‌باشد. همچنین آقای کاسسه، معیار دیوان اروپایی حقوق بشر در کاربرد نیروی کشنده علیه افراد را مورد تأیید قرار داده است. به عقیده وی، یک غیرنظامی هدف نظامی محسوب نمی‌شود اما در شرایط خاص، موازین حقوق بشری می‌تواند در تحلیل ماهیت عینی تهدید ناشی از یک فرد غیرنظامی به کار آید.^{۴۳}

۲-۲-۳- اصل تناسب

از جمل اصول دیگری که باید مدنظر متخاصمین قرار گیرد، رعایت احتیاط و تناسب در حملات است به این ترتیب که حتی در مورد حمله علیه غیرنظامیانی که مشارکت فعال در مخاصمه دارند، همانند نظامیان باید اصل احتیاط مورد توجه و اعمال قرار گیرد. همچنین در

۴۱. بند ۳ ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷)، بند ۳ ماده ۱۳ پروتکل الحاقی دوم (۱۹۷۷)، بند ۱ ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹). رژیم صهیونیستی عضو پروتکل‌های الحاقی اول و دوم نیست، بر همین اساس مفاد آنها نسبت به آن قابل استناد نمی‌باشد. با این حال ملتزم به حقوق عرفی می‌باشد.

42. William J Fenrick, "The Targeted Killings Judgment and the Scope of Direct Participation in Hostilities," *Journal of International Criminal Justice* 5 (2007): 331-335

43. Melzer, op.cit., 61-62.

صورتی که تحصیل منفعت نظامی منجر به کشته شدن ده‌ها غیرنظامی گردد، قطعاً اصل تناسب رعایت نشده است.^{۴۴}

رعایت اصل تفکیک میان نظامی و غیرنظامی در مخاصمات معاصر که غالباً نیروهای مسلح سازمان‌یافته و قابل تشخیص در آن مشارکت ندارند، تا حدی با موانع و مشکلات زیادی مواجه است. در این‌گونه مواقع که عملاً امکان این تفکیک وجود ندارد، قدر مسلم طرفین مخاصمه باید تلاش کنند که از ورود زیان و آسیب بیش از حد و غیرضروری بر جمعیت غیرنظامی خودداری کنند و در مقایسه و موازنه میان منافع و ضرورت نظامی ناشی از حمله و زیان وارده بر غیرنظامیان اصل تناسب را رعایت کنند. بر همین مبنا در بند دوم از قسمت پنجم ماده ۵۱ پروتکل اول، طرفین مخاصمه از هرگونه حمله‌ای که منجر به جراحت و آسیب بیش از حد غیرنظامیان شود، ممنوع شده است.^{۴۵} در گذشته ایراد صدمه و حمله به افراد و اهداف غیرنظامی در ضمن حمله مستقیم و هدفمند به اهداف نظامی تحت عنوان ضرر و زیان اجتناب‌ناپذیر ناشی از جنگ قابل قبول تلقی می‌شد، ولی امروزه در حقوق بین‌الملل عرفی، اصل تناسب به رسمیت شناخته شده است.^{۴۶} قاضی هیگینز در نظر انفرادی خود در ابراز مخالفت با رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای اذعان می‌کند، اگرچه اصل تناسب به صراحت در پروتکل نیامده ولی در بخش‌هایی از مفاد آن، اصل تناسب گنجانده شده است. هدف حمله زمانی مشروع تلقی می‌شود که حمله به آن منجر به زیان جمعی و آسیب بیش از حد افراد غیرنظامی نشود و اصل تناسب در نظر گرفته شود.^{۴۷}

بنابراین اصل تناسب متضمن اعمال محدودیت در هدف‌گذاری و حمله است، بدین معنا که صرف حمله به اهداف نظامی مشخص، کافی نیست بلکه حمله نباید در عمل منجر به صدمه و آسیب نامتناسب به افراد غیرنظامی شود. این امر در ارزیابی ترورهای هدفمند انجام‌گرفته توسط دولت‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است، چراکه در بسیاری موارد اقدامات

44. Cassese, op.cit., 343-344.

45. Francisco Forrest Martin, *International Human Rights and Humanitarian Law* (Cambridge: Cambridge University Press, 2006), 535-536.

46. Y. Dinstien, op.cit., 119-121.

47. ICJ, *Advisory Opinion on Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, I. C. J. Report 226, 8 July 1996.

انجام گرفته بدون لحاظ اصل تناسب بوده‌اند و منجر به کشته یا زخمی شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان گشته‌اند.^{۴۸}

۲-۲-۴- قواعد ناظر بر رفتار مبارزان

بر عملکرد دولت‌هایی که تاکنون به ترور هدفمند مبادرت نموده‌اند، از منظر حقوق بشردوستانه نقدهای فراوانی مطرح می‌باشد و در پاسخ نیز استدلال‌هایی از سوی دولت‌های مزبور ارائه شده که غالباً با استناد به اصول و مبانی حقوق بشردوستانه خدشه‌بردار است. دولت‌ها، خصوصاً دولت‌های قوی، نشان داده‌اند که خودشان مایلند قواعد و استانداردها را به صورت غیردقیق و دارای ابهام تنظیم کنند. برای اینکه در صورت شرکت در مخاصمه دامنه و قدرت مانور گسترده‌ای داشته باشند. در جایی که دولت‌ها برای احترام و تضمین قواعد بین‌المللی در مورد رفتار مبارزان اعلام آمادگی می‌کنند، با توجه به اهمیت مسئله، به نحوی مکانیزم‌های اجباری برای چگونگی اعمال آنها را نیز می‌پذیرند. بنابراین به نظر می‌رسد، اینجا حوزه مناسبی نیست که دولت‌ها به قیمت وارد شدن ضرر و صدمه به غیرنظامیان مورد حمایت، آزادی بیشتری برای خود محفوظ بدارند.

همچنین قواعد مزبور که به صورت حداقلی رفتار دولت‌ها را قانونمند می‌کنند و در موارد حاد جنبه بازدارنده دارند، نمی‌توانند در ارائه معیارهایی برای احراز کیفرانگاری رفتار مبارزان به کار آیند. به عبارت دیگر، قواعد مزبور ممکن است با هدف احراز مسئولیت دولت در اغلب موارد نقض قابل استناد باشند، اما نه به عنوان قواعد کیفری، زیرا جرم‌انگاری اعمال مغایر با این قواعد (غیردقیق)، ناقض اصل قطعیت یا شفافیت در حقوق کیفری است. مؤید این نظر می‌تواند همین واقعیت باشد که تاکنون اغلب قضایایی که در آنها نقض قواعد حقوق بشردوستانه در مورد اعمال مبارزان در دادگاه‌های داخلی مطرح گردیده، در وهله نخست مسئولیت دولت را اعلام نموده‌اند. برعکس قضایای کیفری که در آنها نقض قواعد بین‌المللی ناظر بر شیوه‌ها یا ابزار جنگی مطرح می‌باشد، بسیار کم هستند، چنانچه قضایای مطرح در دادگاه‌های کیفری ملی یا بین‌المللی محدود به تعداد اندکی می‌باشد.^{۴۹} لذا از آنجایی که بعید است که هریک از دولت‌ها در سطح داخلی قوانینی وضع کنند که این استانداردهای

48. Amichai Cohen and Yuval Shany, "A Development of Modest Proportions: The Application of the Principle of Proportionality in the Targeted Killings Case," *J Int Criminal Justice* 5 (2007): 310-321.

49. Antonio Cassese, *op.cit.*, 340-341.

بین‌المللی توسط دادگاه‌های ملی اعمال و اجرا شوند، این امر برعهده ارکان قضایی است که تا حد امکان مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه را تبیین و محدودیت‌هایی بر آزادی دولت‌ها در این زمینه ایجاد کنند. بر همین اساس از منظر برخی حقوقدانان از جمله آقای کاسسه رأی ۱۴ دسامبر ۲۰۰۶ دیوان عالی رژیم صهیونیستی^{۵۰} در زمینه تبیین قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر ممنوعیت حمله به غیرنظامیان و شرایط استثنائی آن واجد جایگاه خاصی است.^{۵۱} در واقع دیوان عالی رژیم صهیونیستی در ضمن این رأی که مرتبط با موضوع ترور هدفمند است، غیرمستقیم به تبیین بخشی از قواعد مرتبط حقوق بشردوستانه نیز پرداخته است.

۲-۲-۵- چالش مفهوم مخاصمه مسلحانه

دولت آمریکا تمایل زیادی دارد که اقدامات خود را در ذیل چارچوب حقوقی مخاصمات، با توجه به مفهوم مورد قبول خود قرار دهد، این راحت‌ترین گزینه پیش روی این دولت است و تلاش می‌کند تا بتواند برای نیروهای نظامی خود مصونیت ایجاد کند.^{۵۲} آمریکا قصد دارد که موقعیت خود را در مخاصمه مسلحانه «جهانی» با القاعده اثبات کند که مخاصمه مزبور از نظر زمانی و مکانی نامحدود می‌باشد. در حالی که این رویکرد در قضیه تادیج رد شد، در آنجا دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق تصریح نمود که در یک مخاصمه، باید:

50. Judgment of the Israel Supreme Court on 13 December 2006 in Public Committee against Torture in Israel v. the Government of Israel on the Legality of the Israel "Targeted Killing" Policy. 51. Antonio Cassese, op.cit., 342.

۵۲. حادثه ۱۱ سپتامبر توسط دولت ایالات متحده آمریکا به عنوان جنگ توصیف شد که طبعاً دفاع مشروع مسلحانه می‌تواند راه مقابله با آن محسوب گردد. رئیس‌جمهور آمریکا رسماً حمله ۱۱ سپتامبر را حمله‌ای نظامی می‌داند که توسط دشمنان آزادی علیه کشورش ارتکاب یافته است. بنابراین منازعه‌ای مسلحانه تحقق یافته است. درست یک روز پس از وقوع حمله در دوازدهم سپتامبر شورای امنیت سازمان ملل به اتفاق آراء قطعنامه ۱۳۶۸ را در مورد حملات تروریستی به تصویب رساند. البته در این قطعنامه به درستی روشن نیست که شورا حمله یازده سپتامبر را چگونه توصیف کرده است. البته در مقدمه قطعنامه، شورای امنیت بر حق ذاتی دفاع فردی و جمعی تأکید می‌کند. شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ۱۳۶۸، حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را به عنوان حمله مسلحانه توصیف نکرد که دولت قربانی بتواند در پی آن در چارچوب ماده ۵۱ منشور ملل متحد به دفاع مشروع متوسل شود. البته در مقدمه قطعنامه، شورای امنیت بر حق ذاتی دفاع فردی و جمعی تأکید می‌کند. حال آیا می‌توان گفت چون در مقدمه، حق دفاع فردی و جمعی را به رسمیت شناخته است، پس حمله را حمله‌ای نظامی توصیف کرده است؟ با توجه به مفاد قطعنامه، به نظر می‌رسد که شورا با صراحت اجازه اقدام نظامی را صادر نمی‌کند. رک: ناصر قربان‌نیا، «مواجهه با تروریسم: رویکرد نظامی، سیاسی و با حقوقی»، نامه مفید ۴۳ (۱۳۸۳)، ۱۴۹-۱۴۸.

۱. یک گروه نظامی سازمان یافته طرف باشد؛
 ۲. مخاصمه باید مدت زمان مشخص و شدت معین داشته باشد. در واقع باید فراتر از سطح تنش‌ها و اختلافات داخلی نظیر آشوب‌های جداگانه و اقدامات خشونت‌بار نامنظم و دیگر اقدامات با ماهیت مشابه باشد.^{۵۳}
 این معیارها توسط دولت‌هایی که اساسنامه رم را پذیرفته‌اند مورد تأیید قرار گرفته و قضیه «حمدان» در کمیسیون آمریکایی حقوق بشر در این خصوص از اهمیت بالایی برخوردار است.^{۵۴}
 به این ترتیب، در رأی دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ (۱۹۹۵)، فرصتی فراهم شد تا قلمروی زمانی و مکانی مخاصمه مورد بحث و بررسی قرار گیرد:

مکان اجرای قواعد بشردوستانه: دادگاه این امر را رد می‌کند که اجرای حقوق بشردوستانه محدود به محل درگیری است، بلکه گستره جغرافیایی آن وسیع‌تر از جایی است که نبرد جریان دارد به این ترتیب که حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر کل سرزمین دولت‌های متخاصم اعمال می‌شود و یا در مخاصمات داخلی در مجموع سرزمین تحت کنترل طرف‌های درگیر اجرا خواهد شد، خواه نبرد در آنجا جریان داشته باشد یا خیر.

زمان اجرای قواعد بشردوستانه: مطابق رأی مذکور، محدوده زمانی اجرای حقوق بشردوستانه در مخاصمات بین‌المللی و داخلی به ماورای تاریخ وقوع نبرد گسترش پیدا می‌کند. یک نمونه بارز آن مربوط به قوانین ناظر بر اسرای جنگی است که مادامی که در اختیار نیروهای متخاصم قرار دارند، باید قواعد حقوق بشردوستانه نسبت به آنها اجرا شود.
 با این وجود همواره تشخیص قلمروی زمانی و مکانی مخاصمه از جمله مسائل حساس و گاهی دشوار است.^{۵۵} به عقیده برخی حقوقدانان با توجه به مبانی زمان و مکان مخاصمه

53. Prosecutor v Tadić (Jurisdiction) IT-94-1-T (2 October 1995) para.70.

54. Micheal Ramsdeh, "Targeted Killings and International Human Rights: the Case of Anwar Al-Awlaki," *Journal of Conflict & Security Law* 16(2) (2011): 385-389.

۵۵. محدوده جغرافیایی و زمانی «جنگ علیه تروریسم» نامعین و نامحدود است. جنگ علیه تروریسم به موازات دنیای قانونی که در آن پیروی از هنجارهای حقوقی یک مسئله اجرایی است، جریان دارد. میدان جنگ بدون توجه به مرزها و حاکمیت‌ها، تمام سیاره زمین است. این جنگ ممکن است دائماً تداوم داشته و مشخص نیست چه کسی باید پایان آن را اعلان کند. تضمین‌های حمایتی حقوق بشری هنگامی که با مقتضیات جنگ علیه تروریسم مغایرت دارند، به کار نمی‌آیند. هافمن، پیشین، ۱۴۰.

چنانچه در رأی تادیج مطرح گردیده، دشوار است که ترور هدفمند علیه الاولادکی در یمن و یا موارد مشابه آن در ذیل حقوق مخاصمه مسلحانه قابل توجیه باشد.

۲-۳- تأکید بر لزوم رعایت موازین حقوق بشردوستانه در رویه قضایی

سیاست رژیم صهیونیستی در مورد ترور هدفمند، دو مرتبه نزد دیوان عالی رژیم صهیونیستی مطرح گردید. در ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۲، یکی از اعضای پارلمان رژیم صهیونیستی برای متوقف کردن سیاست ترور هدفمند رژیم صهیونیستی دادخواستی را به دیوان عالی تسلیم نمود که دیوان بازنگری به سیاست مزبور را رد کرد و صلاحیت خود را برای اظهارنظر در مورد این سیاست احراز نمود. در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۲ نیز یک گروه حقوق بشری در رژیم صهیونیستی و یک گروه فلسطینی به طور مشترک دادخواست دیگری برای متوقف کردن سیاست ترور هدفمند و مسئله قرار موقت^{۵۶} جهت تعلیق اجرای آن به دیوان عالی ارائه نموده بودند. این بار دیوان عالی، صلاحیت خود را برای تصمیم‌گیری در رابطه با این مسئله رد نکرد و سرانجام در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۶ رأی خود را صادر نمود.

این رأی به اختصار ناظر بر موارد ذیل می‌باشد:

- درگیری رژیم صهیونیستی با گروه‌های مبارز در سرزمین‌های اشغالی یک وضعیت مستمر مخاصمه مسلحانه قلمداد می‌شود؛
- اگرچه ضرورت نظامی وجود دارد، اما ترور هدفمند مبارزان مشمول قاعده حقوقی است و در این زمینه حقوق بشردوستانه عرفی مخاصمات مسلحانه بین‌المللی باید رعایت گردد؛
- مبارزان فلسطینی، رزمنده به حساب نمی‌آیند و البته وضعیت رزمنده غیرقانونی نیز حاکم نیست، لذا به عنوان افراد غیرنظامی باید در مقابل حمله مستقیم مورد حمایت قرار گیرند مادامی که به طور مستقیم در مخاصمه مشارکت نمایند؛
- اعضای سازمان‌های مبارز که در سطوح پایین‌تر اقدام می‌کنند نیز غیرنظامی محسوب می‌شوند، با این حال حمایت از آنها منوط به نوع و میزان فعالیت‌های آنهاست.^{۵۷}

اهمیت رأی از نظر آقای کاسسه سه محور می‌باشد:

56. Interim Order.

57. Melzer, op.cit., 30-32.

۱. در این رأی تصریح شده که مسئله ترورهای هدفمند در زمره امور غیرقضایی محسوب نمی‌شود؛
 ۲. یک شیوه ذهنی و بدیع پیشنهاد شده که قلمروی مبهم قواعد بین‌المللی در مورد شیوه‌های مبارزه را قدری محدود کرده است؛
 ۳. یک سلسله اقداماتی برشمرده شده است که متخاصمین قبل و بعد از حمله باید علیه غیرنظامیان شرکت‌کننده در مخاصمه اتخاذ کنند تا از آسیب رساندن به غیرنظامیان مشمول حمایت‌ها تا حد امکان اجتناب شود.^{۵۸}
- یکی از جنبه‌های مهم رأی دسامبر ۲۰۰۶، این بود که حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی به عنوان قانون حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی شناخته شد که ترور هدفمند غیرنظامیان را فقط در زمانی اجازه می‌دهد که به طور مستقیم در مخاصمه شرکت کنند، با این حال در هر قضیه باید مجموع شرایط ذیل احراز گردد:
- اطلاعات مرتبط با هویت و فعالیت فرد باید مبنای حقوقی لازم برای هدف‌گذاری وی را فراهم کند و به طور جامع موجود باشد که بار اثبات ادله برعهده نیروهای حمله‌کننده است؛
 - حتی یک هدف نظامی مشروع نمی‌تواند مورد هدف قرار گیرد، اگر شیوه‌های با آسیب کمتر نظیر بازداشت، بازجویی و محاکمه قابل اعمال باشد؛
 - بعد از هر ترور هدفمند، باید یک تحقیق مستقل و همه‌جانبه و معطوف به سابق در رابطه با صحت شناسایی هدف و اوضاع و احوال حمله انجام گیرد؛
 - هرگونه خسارت وارده باید با معیار تناسب محاسبه گردد.
- دیوان عالی با توجه به سیاست رژیم صهیونیستی مطرح نمود که ما نمی‌توانیم احراز کنیم که یک حمله پیشگیرانه همواره قانونی است، همچنان که نمی‌توانیم احراز کنیم که همواره غیرقانونی است. همه‌چیز بستگی به این مسئله دارد که آیا استانداردهای حقوق بین‌الملل عرفی در رابطه با حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه، آن حمله پیشگیرانه را اجازه می‌دهد یا خیر؟
- به عقیده برخی حقوقدانان، جنگ و اقدام نظامی علیه تروریسم، تنها راه مقابله با آن نیست، زیرا راه مقابله با خشونت لزوماً خشونت نیست و با کاشتن بذر خشونت نمی‌توان میوه

صلح، آرامش و امنیت را انتظار کشید. باید از الگویی غیر از توسل به زور و نقض حقوق برای مقابله با یک امر نامشروع چون اقدام تروریستی بهره جست. حتی اگر روش نظامی تا حدودی بتواند راه مقابله جدی با شبکه‌های تروریستی را هموار کند، بدون تردید نمی‌توان آن را راهی مناسب پنداشت. روش‌های نظامی سرکوب‌گرایانه اگر پاسخ دهد، بی‌گمان پاسخی کوتاه‌مدت خواهد بود. رویکرد سیاسی و حقوقی در مواجهه با تروریسم نیز امروزه توجه بسیاری از حقوقدانان را به خود جلب نموده است.^{۵۹} در واقع، با توجه به تعهداتی که فارغ از ماهیت متقابل در روابط با دیگر دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی برعهده اعضای جامعه بین‌المللی سنگینی می‌کند، دست اعضاء در نظام بین‌المللی معاصر چندان گشاده نیست خصوصاً در جایی که طرف متضرر از اقدام آنها، فرد انسانی و نقض حقوق اساسی وی در میان باشد، آنها ملزم به رعایت حداقل استانداردهایی در قبال افراد بشر خواهند بود.

۳- ممنوعیت ترور هدفمند در نظام حقوق بشر

قلمروی زمانی و مکانی اعمال حقوق بشر از جمله مسائل مهم در رابطه با ترور هدفمند است. رویکرد غالب آن است که صرف‌نظر از تعلیقاتی که به طور خاص مجاز شمرده شده است، حقوق بشر، شاخه‌ای از حقوق است که از تمام افراد بشر در همه زمان‌ها حمایت می‌کند، که از جمله شامل مخاصمه مسلحانه یا وضعیت‌های اضطراری ملی می‌شود.^{۶۰}

امروزه برخی حقوقدانان معتقدند که جنگ علیه تروریسم در نهایت به «جنگ علیه حقوق بشر» بدل گردیده است. برای اثبات این مدعا به قوانین مصوب برخی کشورهای غربی استناد

۵۹. قربان‌نیا، پیشین، ۱۵۶-۱۵۰.

۶۰. عدم پذیرش این مطلب که حاکمیت قانون بر «جنگ علیه تروریسم» نیز اعمال می‌شود، تردید و تزلزل فوق‌العاده‌ای را موجب شده و حقوق فردی را در معرض زوال قرار داده است. به عنوان مثال در آوریل ۲۰۰۳ ایالات‌متحده در پاسخ به سؤالات مطروحه از سوی گزارشگر مخصوص ملل متحد راجع به اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه یا بدون طی تشریفات دادرسی عادلانه در خصوص قتل شش مرد در نوامبر ۲۰۰۲ در پی شلیک یک موشک در یمن، اظهار داشت که این حمله در یک عملیات نظامی و علیه مبارزان دشمن صورت گرفته و لذا خارج از صلاحیت کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و گزارشگر مخصوص آن است. ایالات‌متحده آمریکا این عملیات را با همکاری دولت یمن انجام داد و البته به عنوان آخرین راه‌چاره ممکن به نظر نمی‌رسید چراکه دستگیری اشخاص مظنون به برنامه‌ریزی اعمال مجرمانه یا مرتکب آن، خواه این اعمال «تروریستی» محسوب شوند یا خیر، بخش اصلی در فرایند اجرای قانون است، بخشی که معمولاً مشمول محدودیت‌های قوانین حقوق بشری بین‌المللی است. این محدودیت‌ها ایجاب می‌کرد که دولت‌های آمریکا و یمن این افراد را دستگیر کرده و به موجب قوانین کیفری قابل اعمال محاکمه کنند. رک: هافمن، پیشین، ۱۳۹-۱۳۸.

شده است. در چنین فضایی هر کشوری مجاز شده تا روش‌های دفاع از خود را، حتی به صورت کاملاً غیرانسانی، تعیین کرده و همه اینها با توجیه کارایی داشتن، قانونی به حساب می‌آیند: «این یک موضوع پذیرفته شده است که شکنجه بازداشت‌شدگان به اتهام اعمال تروریستی، به عنوان یکی از عناصر جنگ جهانی علیه تروریسم قلمداد می‌شود.» از همین رو این رویکرد دارای گسستی اساسی با مبانی حقوق بشر است، از پایبندی به ضمانت‌های موجود در حقوق بین‌الملل فاصله گرفته و علی‌رغم ممنوعیت‌های مصرح در حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه، به سوی ملی‌سازی رفتارهای غیرانسانی پیش رفته است. در حالی که در حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی حالتی میان «جنگ» و «صلح» وجود ندارد و بر هریک از این دو حالت، «حقوق بشردوستانه» و یا «حقوق بشر» حکومت دارد.^{۶۱} البته باید در نظر داشت که دولت‌ها نه تنها جهت حفظ امنیت و موجودیت خود می‌توانند به مقابله با تروریسم برخیزند بلکه در قلمرو حقوق بین‌الملل بشر مکلف به چنین امری می‌باشند.^{۶۲} در واقع تروریسم ناقض حقوق بشر است و باید با آن مبارزه نمود. اما آیا در این فرایند موازین بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها را صرفاً محق و یا مکلف به مبارزه با تروریسم می‌نماید و در جریان مبارزه، دولت‌ها از صلاح‌دیدگی بی‌قیدوبند برخوردارند؟ یا اینکه چنین مبارزه‌ای نیز باید در چارچوب مرزهای حقوق بین‌الملل بشر صورت پذیرد؟^{۶۳}

۳-۱- اعمال فراسرزمینی تعهدات حقوق بشری

در حالی که بسیاری از حقوقدانان بر اعمال قواعد حقوق بشر در سرزمین‌های اشغال شده تأکید دارند، برخی سعی می‌کنند کاربرد نیروی (سلاح) کشنده را مطابق با حقوق قابل اجرا در زمانی که یک دولت بر سرزمین دیگر اعمال کنترل مؤثر یا جزئی دارد، توجیه نمایند. همچنین برخی حقوقدانان و فعالان حقوق بشری تلاش می‌کنند که اعمال فراسرزمینی برخی موازین حقوق بشری را تبیین نمایند که از جمله آنها حق حیات است که جزء هسته سخت حقوق بشر قرار دارند.

۶۱. عمرانی، پیشین، ۹۳۰.

۶۲. رویه نهادهای بین‌المللی حقوق بشر مانند دیوان آمریکایی حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر کاملاً مؤید تعهد بین‌المللی دولت در مبارزه با تروریسم می‌باشد. رک: زمانی، پیشین، ۴۸-۴۷.

۶۳. همان، ۴۷.

در واقع شاید مهم‌ترین سؤال قابل طرح در اینجا آن باشد که دولت‌ها نسبت به کدام افراد و در کجا ملزم به ایفای تعهدات حقوق بشری هستند؟ کمیته حقوق بشر در پاسخ به سؤال فوق دایره وسیعی از افراد را مشمول تعهدات دولت‌ها دانسته است به این ترتیب که دولت‌های عضو میثاق را به موجب ماده ۲ ملزم کرده است به احترام و تضمین حقوق همه افراد چه کسانی که در سرزمین دولت هستند و چه آنهایی که به نوعی تحت صلاحیت آن می‌باشند، بدین معنا که یک دولت عضو باید حقوق مقرر در میثاق را نسبت به هرکس که تحت قدرت یا کنترل مؤثر خود است، تضمین کند، حتی اگر در سرزمین دولت عضو واقع نشده باشد. از جمله مصادیق آن، وضعیت اشغال نظامی است. در صورت اشغال نظامی یک کشور توسط نیروهای خارجی، اعمال ارتكابی ناقض حقوق بشر از سوی نظامیان خارجی، متناسب به دولت متبوع آنهاست. به این ترتیب بهره‌مندی از حقوق میثاق محدود به شهروندان دولت عضو نیست، بلکه باید نسبت به همه افراد صرف‌نظر تابعیت یا بی‌تابعیتی آنها اعمال گردد.^{۶۴}

۳-۲- ماهیت تعهدات حقوق بشری دولت‌ها: تعهد به احترام و تضمین^{۶۵}

ماهیت تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در دهه اخیر بیشتر مورد توجه برخی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است. کمیته حقوق بشر ملل متحد در نظریه تفسیری شماره ۳۱ (۲۰۰۴)، به تفصیل در این مورد اظهاراتی داشته است از جمله اینکه تصریح می‌کند که تعهدات قانونی دولت‌های عضو میثاق حقوق مدنی و سیاسی مطابق با بند ۱ ماده ۲ میثاق^{۶۶}، هم مثبت و هم منفی می‌باشد. تعهد به احترام "Respect"، ناظر بر تعهدات سلبی دولت‌هاست که مستلزم خودداری دولت‌ها از مداخله و نقض میثاق می‌باشد مانند شکنجه، منع مداخله در زندگی خصوصی افراد و ... اما تعهد به تضمین "Ensure"، تعهدات ایجابی

۶۴. مانند پناهندگان و یا متقاضیان پناهندگی، کارگران مهاجر و سایر افرادی که به نحوی در سرزمین دولت‌های عضو حضور دارند از جمله اشخاصی که به طور غیرقانونی وارد کشور شده‌اند و فاقد هرگونه مدرک هستند. رک:

Human Rights Committee, General Comment No. 31: the Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant, HRI/GEN/Rev.7, (29 March 2004), para.10. 65. The Obligation to Respect and Ensure.

۶۶. بند ۱ ماده ۲ میثاق مقرر می‌کند: «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و یا تحت صلاحیت خود بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل رنگ، جنس، مذهب، عقیده سیاسی و دیگر عقاید، اصل و منشا ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین کنند.»

دولت‌ها را شامل می‌شود که عبارت است از تضمین این حقوق به نحو مؤثر و با ایجاد ساختارهای مناسب و یا وضع قوانین مناسب.^{۶۷}

اهمیت این موضوع در رابطه با ترور هدفمند چنان است که برخی در انتقاد به آن، به همین موضوع استناد نموده‌اند زیرا دولت‌ها در مورد حق حیات افراد بشر، از تعهد احترام و تضمین برخوردارند که اولی مستلزم ترک فعل یا رعایت تعهدات منفی جهت عدم نقض این حق اساسی و مبنایی بشر است و دومی ناظر بر لزوم انجام اقداماتی است که از نقض این حق توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی ثالث جلوگیری به عمل آورد.^{۶۸}

۳-۳- حق حیات: اساسی و مبنایی‌ترین حق بشری

لزوم احترام و تضمین حق حیات افراد بشر، متضمن این معناست که باید از سلب حق حیات انسان‌ها به صورت خودسرانه و غیرقانونی اجتناب گردد. البته احراز سلب حیات خودسرانه مسئله‌ای است که باید بنابر شرایط و وضعیت خاص هر پرونده تشخیص داده شود. در همین راستا معیارهایی ارائه شده است که تا حد زیادی با اصول و مفاهیم حقوق بشردوستانه مرتبط می‌باشد به این دلیل که سلب حق حیات اگرچه همواره غیرقابل‌پذیرش و مذموم است، اما به عنوان یکی از واقعیات جاری در مخاصمات مسلحانه انکارپذیر نمی‌باشد، اگرچه قطعاً لحاظ استانداردهای حقوق بشری و حقوق بشردوستانه به صورت توأم، از وسعت و عمق نقض حقوق اولیه و اساسی بشر خواهد کاست. از جمله ملاک‌های ارائه‌شده عبارتند از:

- ضرورت دقیق و شفاف^{۶۹} و^{۷۰} کاربرد نیرو یا ابزار کشنده علیه فرد باید به عنوان آخرین راهکار مطرح باشد.

67. Human Rights Committee, General Comment No. 31: the Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant, HRI/GEN/Rev.7, (29 March 2004), paras.5-6.

۶۸. در جریان توصیف عملیات مزبور به عنوان «ضربه به صلح جهانی و امنیت» و در نتیجه اعطای مجوز به دولت مورد تجاوز به دفاع مشروع، شورای امنیت سازمان ملل و مجمع عمومی سازمان ملل متحد راه را برای قانونی کردن جنگ علیه تروریسم هموار کردند. ممنوعیت رفتارهای غیرانسانی نیز در این میان جنبه داخلی داده شده تا هر دولتی مستقلاً ارزیابی خود از این رفتارها را در غیاب یک دادگاه بین‌المللی حقوق بشر، چه از نظر ابزار و چه از نظر وسعت به مرحله اجرا درآورد. رک: عمرانی، پیشین، ۴۳۹.

۶۹. جامعه بین‌المللی در برخورد با وقایع ۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن بر این نکته تأکید داشته که پاسخ به تروریسم باید در چارچوب استانداردهای اساسی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل صورت گیرد. به عنوان مثال در قطعنامه ۱۴۶۵ (۲۰۰۳) شورای امنیت بر این نکته تأکید شده که هرگونه تدبیر اتخاذشده برای مبارزه با تروریسم باید با رعایت تعهدات بین‌المللی و «به ویژه قواعد حقوق بشر بین‌المللی، حقوق پناهندگان و حقوق بشردوستانه

- اجتناب‌ناپذیری یا گریزناپذیری^{۷۱}: در صورت وجود راهکار دیگر از جمله دستگیری و بازداشت، نباید در جهت سلب حق حیات اقدام نمود.
 - اصل تناسب^{۷۲}: در عرصه مخاصمات همواره باید در نظر نظامیان و خصوصاً فرماندهان نظامی، اقدام در جهت سلب حیات افراد (نظامی) در یک کفه ترازو و منافع ناشی از آن در کفه دیگر باشد و به بیان دیگر منافع نظامی ناشی از عملیات ارزیابی گردد.
 - شدید بودن تهدید^{۷۳}: تهدیدات ناشی از طرف مقابل و در صورت استمرار، اقدامات از سوی آن باید مورد لحاظ گردد.
 - فوریت^{۷۴}: در ضمن لزوم خنثی کردن تهدید طرف مقابل مطرح می‌باشد.
 - قریب‌الوقوع بودن^{۷۵}: ناظر بر شدید و جدی بودن تهدید است.
- نکته قابل تأمل آن است که رویکرد حقوق بشر به ترور هدفمند، ناظر بر ممنوعیت آن در ذیل تعهد به احترام و تضمین حق حیات انسانی است و موارد استثنای آن در چارچوب مخاصمات مسلحانه و نظام حقوق بشردوستانه می‌باشد. البته در همه شرایط و از جمله در مخاصمات نیز احترام به حیات انسانی و اهتمام برای ورود کمترین آسیب به آن، اولین و ضروری‌ترین ملاحظه‌ای است که باید در نظر گرفته شود.^{۷۶}
- بنابراین مشروعیت ترور هدفمند به عنوان یک رویه کلی در نظام حقوق بشر به شدت مورد انتقاد است، اما در موارد استثنائی برای جلوگیری از تهدید شدید یا جدی بیشتر در آینده که حیات یک ملت را تهدید می‌کند، در چارچوب موازین حقوق بشردوستانه ممکن است مورد استناد قرار گیرد و این همان مسئله‌ای است که رژیم صهیونیستی و آمریکا به شدت از آن احتراز و تلاش می‌کنند تا اقدامات خود را خارج از چارچوب نظام حقوق بشردوستانه و حقوق بشر توجیه نمایند.

انجام شود.» حال سؤال این است که آیا این هنجارها واقعاً بر رفتار دولت‌ها حاکم خواهد بود و اگر این‌گونه نباشد جامعه بین‌المللی چه واکنشی نشان خواهد داد. رک: هافمن، پیشین، ۱۴۰.

70. strict and Absolute Necessity.

71. Indispensable.

72. Proportionality.

73. Gravity of the Threat.

74. Immediacy.

75. Imminence.

76. Melzer, op.cit., 55-59; See also Ramsdeh, op.cit., 358-406.

۳-۴- اظهارات گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد اعدام‌های غیرقضایی و خودسرانه

در نظام بین‌المللی حقوق بشر، اسناد ارکان و نهادهای نظارتی حقوق بشر و اظهارات گزارشگران و کارشناسان بین‌المللی از اهمیت بسیاری برخوردار است. در رابطه با موضوع ترور هدفمند، گزارش‌ها و اظهارات گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد اعدام‌های غیرقضایی و خودسرانه در تبیین رویکرد حقوق بشر به آن، قابل تأمل می‌باشد. گزارشگر ویژه مذکور در تاریخ ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱، سیاست‌های ترور هدفمند را به این ترتیب به چالش کشانده است:

استانداردهای بین‌المللی از امنیت دولت‌ها در سطح داخلی و خارجی حمایت می‌کند، اما اقدامات تروریستی متقابل^{۷۷} برای حمایت از حقوق بشر دارای آثار مخرب درازمدت است. فقط در شرایطی خاص، حیات صرفاً برای حمایت از حیات قابل سلب شدن می‌باشد. کاربرد نیروی کشنده نباید به کار رود مگر اینکه ظن قوی وجود داشته باشد که مظنون مرتکب جنایات متضمن خشونت جدی شده یا تهدید شدید و جدی به ارتکاب آن از سوی وی وجود دارد.

با توجه به مسئله ترور هدفمند، گزارشگر ویژه اظهار داشت که روند جاری استفاده از ابزار کشنده در کشورهایی که درگیر محاصره نیستند، مانند پاکستان یا یمن برای کشتن افراد بسیار مشکل‌آفرین می‌باشد.

میزان کاربرد گسترده در این کشورها به اندازه‌ای است که به سختی می‌توان عنوان «هدفمند» را بر آن گذاشت.

مفهوم «جنگ جهانی» که امکان استفاده از نیروی کشنده را در سراسر جهان فراهم می‌آورد، بسیار خطرناک است و در این صورت هیچ‌کس در هیچ جای دنیا امنیت نخواهد داشت. جنگ جهانی در اینجا به معنای جنگ بدون مرز می‌باشد. وی تصریح می‌کند که جامعه بین‌المللی باید در مورد این رویکرد خطرناک و در حال توسعه، به طور جدی وارد بحث و مذاکره شود.^{۷۸}

بنا بر تصریح گزارشگر ویژه، در شرایط فعلی، دولتی که بیشترین کاربرد از ترور هدفمند را دارد، ایالات متحده آمریکاست. معضلات بسیار مهمی در رابطه با ترور هدفمند مطرح است. گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد اعدام‌های غیرقضایی و خودسرانه، در گزارش سال ۲۰۰۳ خود نیز تصریح نمود که حادثه اتفاق افتاده در یمن، مصداقی از اعدام غیرقضایی بوده

77. Counter-Terrorism Operation

78. UN human Rights Expert Challenges "Targeted Killing" Policies, 20 October 2011.

است و این بدان معناست که آمریکا مرتکب نقض حقوق اساسی و مبنایی بشر افراطی گشته‌شده در حادثه مزبور می‌باشد.

۳-۵- برخی معضلات رویه جاری در مورد ترور هدفمند

۳-۵-۱- توسعه شرایط مشروعیت ترور هدفمند

اوضاع و احوالی که ترور هدفمند در آن مجاز شمرده شده، صرفاً وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه و علیه نظامیان و غیرنظامیانی است که در عملیات مرتبط با مخاصمه، مشارکت مستقیم دارند. با این حال، برخی دولت‌ها آن را در مناطق غیرجنگی نیز به کار می‌برند. از جمله ایالات متحده آمریکا که به طور قانونی کاربرد نیروی کشنده علیه طالبان و القاعده را در سرزمین دولت‌های دیگر به عنوان بخشی از حق ذاتی دفاع مشروع خود به تصویب رسانده است. در صورتی که این مفهوم موسع از دفاع مشروع به نظر می‌رسد ممنوعیت کاربرد توسل به زور مندرج در منشور ملل متحد را مخدوش می‌کند.

۳-۵-۲- فقدان مکانیزم‌های نظارتی اساسی بر وضعیت‌های اقدام به ترور هدفمند

لازم است که به نحوی برای دولت‌ها و دیگر بازیگران بین‌المللی تبیین شود که ترور هدفمند باید در چارچوب قواعد ناظر بر مخاصمات مسلحانه مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه اقدامات سازمان سی‌ای آمریکا بسیار تأمل‌برانگیز و موجب طرح انتقادات عدیده گردیده است. بر اساس آمار، تاکنون صدها نفر کشته شده‌اند که بدیهی است در بین آنها غیرنظامیان بی‌گناه نیز حضور داشته‌اند. البته به دلیل محرمانه بودن این اقدامات و اینکه جامعه بین‌المللی بی‌اطلاع است که در چه مکان و زمانی قرار است عملیات انجام گیرد، احتمال کشته شدن افراد بی‌گناه بالا می‌باشد. در صورتی که اگر مرجع نظارت و الزام به پاسخگویی وجود نداشته باشد که چه کسی و به چه دلیل هدف بوده، و اینکه افراد بی‌گناه و مشمول حمایت نیز در جریان ترور هدفمند کشته شده‌اند یا خیر، اجرای اصول مسلم حقوق بین‌الملل با چالش مواجه خواهد شد.^{۷۹}

۷۹. نقض حقوق بشر به نام جنگ با تروریسم تلاش‌هایی را که برای پاسخ دادن به تهدیدهای تروریستی انجام می‌شود، تضعیف کرده است و امنیت شهروندان را هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت به خطر می‌اندازد. بنابراین «تروریسم» و «حقوق بشر» دارای ارتباط معکوس با یکدیگر هستند؛ لذا نقض گسترده حقوق و آزادی‌های اساسی بشر یکی از موجبات اساسی گسترش تروریسم است. از سوی دیگر، اعمال خشونت‌آمیزی که عموماً «تروریسم» شناخته می‌شوند - مستقیم و غیرمستقیم - باعث نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شهروندان می‌شوند. رک:

بنابراین، چهار دغدغه‌ای که در مواجهه با ترور هدفمند از منظر حقوق بشر قابل اشاره است، عبارتند از:

۱. قلمروی قواعد حقوق جنگ و یا حقوق بشر ناظر بر ترور هدفمند چه می‌باشد؟
۲. تعریف و ماهیت مخاصمات مسلحانه مطابق حقوق بشردوستانه، با توجه به تحولات چند دهه اخیر و واقعیات جامعه بین‌المللی؛
۳. لزوم تعریف کسی که هدف‌گذاری می‌شود در چارچوب حقوق مخاصمات و تصریح به اینکه فقط می‌تواند در زمره نظامیان و یا غیرنظامیانی باشد که در مخاصمه مشارکت مستقیم دارند؛

۴. تأکید بر اصل شفافیت و پاسخگویی در نظام حقوق بین‌الملل.^{۸۰} بر همین اساس، از منظر نظام حقوق بشر و نهادهای ذی‌ربط، این نگرانی وجود دارد که ترور هدفمند، با اصل عدم تقابل در تعهدات دولت‌ها به تضمین حقوق بنیادین بشر ناسازگاری دارد و این تعارض ممکن است در درازمدت دستاورد چندین دهه مبارزه و تلاش جهت شناساندن ماهیت تعهدات حقوق بشری به عنوان تعهداتی غیرمتقابل را در معرض نقصان قرار دهد.

۴- تعامل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در مقابله با رویه جاری ترور هدفمند

۴-۱- اعمال موازی در وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه

چارچوب‌های حقوقی اصلی حقوق بین‌الملل در رابطه با حمایت از حیات افراد، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌باشند. اگرچه هر دو چارچوب حقوقی بر یک مبنای نظری مشترک یعنی حمایت از کرامت انسانی مبتنی هستند^{۸۱} اما قلمروی (حوزه) اعمال آنها یکسان نمی‌باشد. به بیان کلی، اعمال حقوق بشردوستانه در صورت بروز یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و یا غیربین‌المللی است، در حالی که اجرای معاهدات حقوق بشری مستلزم احراز

بهرام مستقیمی و روح‌الله قادری کنگاوری، «نقض حقوق بشر و گسترش تروریسم»، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱ (۱۳۹۰)، ۲۵۸-۲۵۷.

80. UN Expert Criticized "Illegal" Targeted Killing Policies and Calls on the US to Halt CIA Drone Killings, Geneva 2 June 2010.

81. ICTY, Furundzija Case (Judgment of 10 December 1998, para.183. See also IACiHR, Abella (Lablada) Case, para.158.

«صلاحیت»^{۸۲} می‌باشد. برخی از تعهدات حقوق بشری بخشی از حقوق بین‌الملل عام گردیده‌اند و هر جایی که افراد در مواجهه با اعمال قدرت یا اختیار دولت‌ها قرار گیرند، اعمال می‌شود. اجرای مهم‌ترین معاهدات حقوق بشری بدون تردید در وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه ادامه پیدا می‌کند. بر همین اساس بند ۱ ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^{۸۳} و بند ۱ ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی^{۸۴} حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی صریحاً تأکید می‌کند که اعمال کنوانسیون‌های مزبور در زمان جنگ نیز ادامه پیدا می‌کند و این امر به طور ضمنی از بند ۱ ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی^{۸۵} نیز قابل دریافت است.

در معاهدات حقوق بشردوستانه از جمله در پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو نیز تصریح گردیده است که «اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر حمایت مبنایی از افراد بشر ارائه می‌کند»^{۸۶} و بیان می‌دارد که مقررات آن «بر دیگر قواعد قابل اعمال حقوق بین‌الملل مرتبط با حمایت از حقوق بشر اساسی در طول مخاصمات بین‌المللی» اضافه می‌شود^{۸۷} و همچنین «در مخاصمات مسلحانه‌ای که بین‌المللی نیستند نیز احترام به فرد انسانی را ایجاد می‌کند»^{۸۸} به علاوه استمرار اعمال حقوق بشر در طول مخاصمه مسلحانه به طور مکرر توسط کمیسیون آمریکایی حقوق بشر^{۸۹}، کمیته حقوق بشر ملل متحد^{۹۰}، دیوان بین‌المللی دادگستری^{۹۱}، گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد اعدام‌های غیرقضایی و خودسرانه^{۹۲}، مجمع عمومی ملل متحد^{۹۳} و شورای امنیت ملل متحد^{۹۴} مورد تأکید قرار گرفته است.^{۹۵}

82. Jurisdiction.

83. American Convention on Human Rights (ACHR).

84. European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (ECHR).

85. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR).

۸۶. مقدمه پروتکل الحاقی اول.

۸۷. ماده ۷۲ پروتکل الحاقی دوم. همچنین رک: بند ۱ ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول.

۸۸. مقدمه پروتکل الحاقی دوم، به اصول حقوق بشردوستانه اشاره دارد که در ماده ۳ کنوانسیون چهارم ژنو ذکر شده است.

89. IACiHR, Coard Case, para.39; IACiHR, La Tablada Case para.158; IACiHR, Report Colombia 1999, Chapter IV, para.11.

90. UNHRC, General Comment No. 29 (2001), para.3; UNHRC, General Comment No. 31 (2004), para.11.

91. ICJ, Nuclear Opinion, para.25. Also see ICJ, Legal Consequences of a Wall Opinion, para.105.

92. see, eg, Report of the Special Rapporteur of 22 December 2004, para.50.

93. UNGA Resolution 237 of 14 June 1967; UNGA Resolution 58/96 of 9 December 2003, paras.3, 5; UNGA Resolution 58/99 of 9 December 2003, paras.2, 5.

94. UNSC Resolution 237 of 14 June 1967; UNSC Resolution 1041 of 29 January 1996; UNSC Presidential Statement of 12 February 1999 (UN Doc. s/PRST/ 1999/ 6) paras.2 and 7.

95. Melzer, op.cit., 76-77.

۴-۲- حمایت از حق حیات فردی: محل تلاقی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

اعمال موازی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه، تعامل یا تلاقی آنها در حمایت از افراد در مقابل محرومیت از حق حیات را مطرح نموده است. در این رابطه دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر داشته است:

«با توجه به ارتباط میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، سه وضعیت قابل تصور است: برخی حقوق انحصاراً مشمول حقوق بشردوستانه هستند؛ برخی انحصاراً مشمول حقوق بشر هستند؛ برخی نیز در ذیل هر دو شاخه از حقوق مطرح می‌باشند. بر همین اساس دیوان بین‌المللی دادگستری این هر دو شاخه از حقوق بین‌الملل را مدنظر قرار می‌دهد.»^{۹۶}

کمیته حقوق بشر ملل متحد نیز ارتباط حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را تأکید و حقوق بشردوستانه را منبع تفسیر حقوق بشر در زمان جنگ معرفی می‌کند^{۹۷}، اما بر نکته مهمی نیز اشاره دارد و آن اینکه حتی در وضعیت‌هایی که حقوق بشردوستانه حاکم است، مطابق میثاق حقوق مدنی و سیاسی تعلیق حقوق مزبور فقط در صورتی مجاز است که خطری حیات یک ملت را تهدید می‌کند.^{۹۸}

کمیسیون آمریکایی حقوق بشر نیز به نتیجه مشابهی دست یافته است و آن اینکه استانداردهای مقتضی برای ارزیابی اقدامات نیروهای امنیتی دولت در مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی باید با لحاظ حقوق بشر و حقوق بشردوستانه باشد، زیرا در مقررات عرفی و معاهده‌ای حقوق بشردوستانه به طور کلی برای قربانیان مخاصمات مسلحانه حمایت‌های بیشتر و مشخص (دقیق‌تری از آنچه در کنوانسیون آمریکایی و دیگر اسناد حقوق بشری آمده است، در نظر گرفته‌اند.^{۹۹}

در سال ۱۹۹۶، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سلاح‌های هسته‌ای به روشنی رابطه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در راستای حمایت از حیات افراد بشر در طول مخاصمه مسلحانه را تبیین نموده است:

«دیوان معتقد است که حمایت از میثاق حقوق مدنی و سیاسی در زمان جنگ متوقف نمی‌شود، به استثنای موارد اعمال ماده ۴ میثاق که مطابق آن مفاد مشخصی ممکن است در

96. Legal Consequences of a Wall Opinion, para.106.

97. UNHRC, General Comment No. 31 (2004), para.11.

98. UNHRC, General Comment No. 29 (2001), para.3.

99. IACiHR, La Tablada Case para.150.see also IACiHR, Report Colombia 1999, Chapter IV, paras.11, 151.

زمان اضطراب ملی به حالت تعلیق درآیند. با این حال، احترام به حق حیات مشمول چنین مقررهای نیست. در واقع، افراد حتی در طول مخاصمات از حق حیات به صورت خودسرانه محروم نمی‌باشند. ملاک محرومیت خودسرانه از حیات در ذیل حقوق قابل اعمال در مخاصمات از جمله حقوق بشردوستانه تعیین می‌شود. بنابراین، اینکه یک نوع مشخصی سلب حیات در ضمن کاربرد سلاح معینی، محرومیت خودسرانه از حق حیات می‌باشد و مغایر با ماده ۶ میثاق است یا خیر، فقط می‌تواند با استناد به حقوق قابل اعمال در مخاصمه مسلحانه احراز گردد و از عبارات میثاق به تنهایی به دست نمی‌آید.^{۱۰۰}

کمیسیون آمریکایی حقوق بشر نیز مقرر داشته است:

«اهلیت کمیسیون برای رسیدگی به نقض‌های ادعایی این حق غیرقابل تعلیق [حق حیات] که ناظر بر زمان مخاصمات مسلحانه است، فقط با استناد به ماده ۴ کنوانسیون آمریکایی نمی‌باشد، زیرا کنوانسیون آمریکایی مشتمل بر قواعدی نیست که غیرنظامیان را تعریف یا آنها را از رزمندگان و دیگر اهداف نظامی تفکیک کند، همچنین مشخص نمی‌کند که یک غیرنظامی چه وقت قانوناً می‌تواند مورد حمله قرار گیرد یا در چه صورت کشتار غیرنظامیان نتیجه قانونی (مشروع) عملیات نظامی است. بنابراین، کمیسیون ناگزیر است که به استانداردها و قواعد حقوق بشردوستانه به عنوان منابع مورد استناد برای رسیدگی به نقض‌های کنوانسیون آمریکایی در وضعیت‌های مخاصمه، توجه و آنها را اعمال کند.^{۱۰۱}

علی‌رغم این، کمیسیون آمریکایی حقوق بشر در قضایای متعددی تصریح نموده است که حقوق بشردوستانه مجراً در زمان مخاصمات مسلحانه ناظر بر محرومیت از حیات در واقع با توجه به شرایط همان مخاصمه اعمال می‌شود:

«به طور مثال، اعدام خودسرانه یک کشاورز با ادعای همکاری با پارتیزان‌ها، که مطابق حقوق بشر، نقض حق حیات است، نقض حمایت‌های مقرر از غیرنظامیان در حقوق بشردوستانه نیز قلمداد می‌شود، چراکه مرگ مرتبط با مخاصمه مسلحانه بوده است ...^{۱۰۲}

کمیسیون به طور کلی باید در مواردی که مرگ یا صدمه در نتیجه اقدامات عملی مبارزان است، حقوق بشردوستانه را در تفسیر حقوق بشر به کار گیرد، و این امر که صدمه یا خسارت

100. ICJ, Nuclear Opinion, para.25.

101. IACiHR, La Tablada Case para.161.see also IACiHR, Report Colombia 1999, Chapter IV, para.169.

102. IACiHR, Report Colombia 1999, Chapter IV, para.152.

وارده خودسرانه انجام گرفته یا خیر از مفاد کنوانسیون آمریکایی قابل احراز نمی‌باشد.^{۱۰۳} در نهایت در برخی موارد معین، کمیسیون باید حقوق بشر را به طور انحصاری مدنظر قرار دهد. کمیسیون باید نرم‌های حقوق بشری را به تنهایی در وضعیت‌هایی اعمال کند که نقض ادعایی خارج از مخاصمه مسلحانه انجام گرفته است. به طور مثال، ادعای کاربرد افراطی زور توسط پلیس هنگام بازداشت افراد، فقط مشمول نرم‌های حقوق بشری می‌شود.^{۱۰۴}

در نگاه گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد اعدام‌های غیرقضایی و خودسرانه، در وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه، کارکرد تفسیری حقوق بشردوستانه فقط در محدوده‌ای باید اعمال شود که تعارضی میان اصول حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به وجود آمده باشد.^{۱۰۵}

۵- رویه دولتی مخالف با رویکرد جامعه بین‌المللی

علی‌رغم وجود پذیرش [کنسانسوس] بین‌المللی در مورد تعامل و هم‌زیستی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در مخاصمه مسلحانه، نحوی قانون‌ستیزی از جانب رژیم صهیونیستی و آمریکا استمرار داشته است، مبنی بر اینکه اعمال حقوق بشر در سرزمین و بر افراد تحت صلاحیتشان را در اغلب اقدامات نظامی فراسرزمینی رد می‌کنند. به طور مثال آمریکا در پاسخ به تصمیم ۱۵ آوریل ۲۰۰۲ کمیسیون آمریکایی حقوق بشر مبنی بر لزوم رعایت اقدامات احتیاطی در قضیه بازداشتگاه گوانتانامو اظهار داشت که: «حقوق بین‌الملل بشر بر رفتار متخاصمین یا بازداشت و دستگیری مبارزان دشمن که مشمول قواعد خاص مخاصمه مسلحانه است، حاکم نمی‌باشد.»^{۱۰۶} به علاوه مطابق اظهار گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد اعدام‌های غیرقضایی و خودسرانه، موقعیت آمریکا در رابطه با اقدامات نظامی‌اش در عراق (۲۰۰۳) و ترور هدفمند انجام‌گرفته توسط سیا در یمن (۲۰۰۲) به طور ضمنی مبین آن است که: «هرجا حقوق بشردوستانه اعمال می‌شود، اجرای نرم‌های حقوق بشری متوقف می‌گردد.»^{۱۰۷}

103. Ibid., para.153.

104. Ibid., para.154.

105. Report of the UN Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions of 22 December 2004.

106. Response of the US Government of 15 April 2002 to the IACiHR with Regard to the Commission's Decision to Order Precautionary Measures in the Guantanamo Detainees Case.

107. Report of the UN Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions of 22 December 2004 (E/CN.4/2005/7), paras.43, 48.

رژیم صهیونیستی نیز به طور مشابه اصرار دارد که میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کرانه باختری و نوار غزه، صرف‌نظر از ملاحظات صلاحیتی اعمال نمی‌شود و در این رابطه به فراسرزمینی بودن سرزمین‌های اشغالی استناد می‌کند و اینکه این بخش مشمول حقوق بشردوستانه است و خارج از قلمروی اعمال حقوق بشر می‌باشد.^{۱۰۸}

با این وجود، نه رژیم صهیونیستی و نه آمریکا موفقیتی در ارائه استدلال و مبنایی قانع‌کننده در اثبات تقابل حقوق بشر و حقوق بشردوستانه [حذف حقوق بشر در جایی که حقوق بشردوستانه اعمال می‌شود] نداشته‌اند، چراکه این رویکرد نه تنها مغایرت آشکار با حقوق معاهده‌ای و رویه بین‌المللی دارد بلکه این واقعیت تاریخی را نیز نفی می‌کند که کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹) و اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف بشر (۱۹۴۸) و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) همگی دلالت دارد بر یافته جدید جامعه بین‌المللی مبنی بر وجود ارتباط نزدیک میان وضعیت‌های مخاصمه مسلحانه و نقض‌های حقوق بشری که در نتیجه وقایع دردناک و جنایات ارتكابی در طول جنگ جهانی دوم به دست آمد. نکته قابل تأمل آن است آمریکا نه فقط اعمال حقوق بشر را نمی‌پذیرد، بلکه در سال‌های اخیر اعمال حقوق بشردوستانه معاهده‌ای را نیز در مورد اقدامات نظامی ضد تروریستی و نیز اقدامات نامحدود خود در بازداشتگاه گوانتانامو رد کرده است.^{۱۰۹} رژیم صهیونیستی نیز نه فقط اعمال الزامی میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در سرزمین‌های اشغالی نمی‌پذیرد، بلکه اعمال کنوانسیون چهارم ژنو را نیز که خاصاً ناظر بر وضعیت‌های اشغالی است، رد می‌کند.

این نحوه عملکرد رژیم صهیونیستی و آمریکا و استدلال آنها حتی از سوی برخی حقوقدانان غربی نیز مورد انتقاد قرار گرفته است.^{۱۱۰}

108. see for example: UNHRC, Second Periodic Report by Israel (CCPR), para.8 and ECOSOC, Periodic Report by Israel (CECSR), para.5.

۱۰۹. در این رابطه رأی دیوان عالی آمریکا در قضیه Hamdan v Rumsfeld از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

110. Melzer, op.cit., 77-80.

۵-۱- رویه ایالات متحده آمریکا: جنگ جهانی علیه تروریسم^{۱۱۱}

۵-۱-۱- قبل از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

تا قبل از واقعه ۱۱ سپتامبر نیز آمریکا با کاربرد ترور هدفمند بیگانه نبود. بعد از جنگ جهانی دوم، ترورهای هدفمند متعددی در سطح وسیع در جریان جنگ ویتنام توسط سیا طراحی و اجرا گردید. به علاوه، در دهه ۱۹۷۰ تحقیقات گسترده‌ای توسط کمیته انتخابی سنای آمریکا انجام گرفت که سیا را در توطئه‌های متعددی جهت ترور رهبران خارجی دخیل می‌دانست. در گزارش ۱۹۷۵، کمیته مزبور، کارگزاران دولتی را از مداخله در فعالیت‌های توطئه‌آمیز و تروریستی منع کرد. با این حال این ممنوعیت، از اقدام نیروهای هوایی جهت حمله هوایی به «تریپلی»^{۱۱۲} اقامتگاه معمر قذافی، بعد از اینکه لیبی مرتبط با حمله تروریستی به پرسنل نظامی آمریکا در آلمان شناخته شد، ممانعت به عمل نیارود (۱۹۸۶).

همچنین عملیات‌هایی علیه القاعده به دلیل بمباران نمایندگی آمریکا در نایروبی و دارالسلام انجام گرفت (۱۹۹۸).

در آغاز حمله آمریکا به عراق، حملاتی علیه صدام طراحی و انجام شد که غالباً مربوط به پس از حادثه ۱۱ سپتامبر می‌باشد.

نکته قابل ذکر آن است که پس از وقایع ۱۱ سپتامبر، مشروعیت بخشی و قانونی کردن ترور هدفمند، از سرعت و سهولت بیشتری برخوردار گردید.

۵-۱-۲- رویه آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۱، در کنگره آمریکا، رئیس‌جمهور این کشور تصریح نمود که:

«تمام نیروی ضروری و متناسب علیه ملت‌ها، سازمان‌ها یا افرادی که حملات تروریستی را طراحی، اجرا یا کمک نمایند، به کار گرفته خواهد شد.»^{۱۱۳}

در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۱، یک پیمان محرمانه توسط بوش امضاء شد که به سیا اختیار انجام اقدامات کشنده را می‌داد که به عنوان «ترور هدفمند» از آن یاد می‌شود.

از آن تاریخ به بعد آمریکا موارد متعددی از حملات ترور هدفمند را در افغانستان، پاکستان و یمن انجام داد. برخی از مهم‌ترین عملیات انجام گرفته توسط آمریکا عبارت می‌باشند از:

111. The Global War on Terrorism.

112. Tripoli.

113. Dana Priest, "Covert CIA Program Withstand New Furor," Washington Post, 30 December 2005, p.A01, <http://www.washingtonpost.com>.

- ترور هدفمند Ali QaedSenyan در یمن، ۳ نوامبر ۲۰۰۲؛
- ترور هدفمند Haitham al Yemeni در پاکستان، ۱۰ مه ۲۰۰۵؛
- ترور هدفمند Hamza Rabia در پاکستان، دسامبر ۲۰۰۵؛
- ترور هدفمند Abu Musab al-Zarqawi رهبر القاعده در عراق، ۶ ژوئن ۲۰۰۶؛
- ترور هدفمند Aden HashiAyro افغانستان، ۷ ژوئیه ۲۰۰۷؛
- قتل Osama bin Loden، مه ۲۰۱۱؛
- ترور نافرجام Anwar Al-Awlaki، ۲۰۱۱.^{۱۱۴}

اقدامات دولت آمریکا در راستای ترور هدفمند مخالفان خود در اقصی نقاط جهان، موجب طرح انتقادات فراوان به رویه این کشور گردیده است. بر همین اساس منتقدان در چارچوب نظام حقوق بشر و نظام حقوق بشردوستانه استدلال‌های عدیده‌ای در رد حقوقی این رویه ارائه نموده‌اند که در اینجا به گوشه‌ای از آنها اشاره خواهد شد.

عمده توجیحات آمریکا متمرکز است بر چارچوب‌های حقوقی دفاع مشروع و مخاصمه مسلحانه که در جنگ علیه تروریسم در جریان است. با این وجود حقوقدانان معتقدند که آمریکا باید بتواند اقداماتش علیه رهبران القاعده را در چارچوب حقوق بشر نیز توجیه کند. در اینجا مناسب است که به اظهارات «هارلد که»^{۱۱۵} در ۲۵ مارس ۲۰۱۰ اشاره نمود که به صراحت، سیاست کلی آمریکا را در مقابله با القاعده نشان می‌دهد:

«به عنوان یک موضوع حقوق بین‌الملل، ایالات متحده آمریکا اکنون در یک مخاصمه با القاعده، طالبان و نیروهای آنها به سر می‌برد. در پاسخ به حملات ۱۱ سپتامبر و توسل به زور که مطابق حق ذاتی دفاع مشروع در نظام حقوق بین‌الملل است ... چنانچه از وقایع اخیر آشکار است، القاعده از حملات خود علیه آمریکا دست برنداشته بلکه آنها را ادامه خواهد داد. بنابراین در این مخاصمه مسلحانه مستمر، ایالات متحده آمریکا در نظام حقوق بین‌الملل از این اختیار برخوردار است و نسبت به شهروندان خودش مسئول می‌باشد که به زور متوسل شود و از جمله با کاربرد نیروی کشنده از خودش دفاع کند که شامل هدف‌گذاری افراد رده‌بالای القاعده (رهبران القاعده) می‌شود که حملات را طراحی می‌کنند.»^{۱۱۶}

114. Melzer, op.cit., 37-41.

115. Harold Koh.

116. Ramsdeh, op.cit., 385-387.

در جریان بعد از قتل اسامه بن لادن نیز اظهارات وی در ضمن قانونی شمردن آن، تکرار و تأیید گردید.^{۱۱۷}

این در حالی است که بنا بر تصریح گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد اعدام‌های غیرقضایی و خودسرانه، مفهوم «جنگ جهانی» که امکان استفاده از نیروی کشنده را در سراسر جهان فراهم می‌آورد، بسیار خطرناک است و در این صورت هیچ‌کس در هیچ جای دنیا امنیت نخواهد داشت. جنگ جهانی در اینجا به معنای جنگ بدون مرز می‌باشد. وی تصریح می‌کند که جامعه بین‌المللی باید در مورد این رویکرد خطرناک و در حال توسعه، به طور جدی وارد بحث و مذاکره شود.

در واقع اگرچه تروریسم ناقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است ولی مبارزه با آن نمی‌تواند فارغ از رعایت استانداردهای حقوق بشری صورت پذیرد. لزوم رعایت حقوق بشر در مقابله با اقدامات تروریستی به اصلی اولیه و بدیهی بازمی‌گردد و آن عمومیت قاعده حقوق بین‌الملل بشر و اعمال یکسان آن نسبت به تمام افراد است. متهم یا مرتکب عمل تروریستی نیز انسانی است که مرتکب عملی مجرمانه علیه هم‌نوعان خود شده است و این امر باعث نمی‌شود که وصف انسان بودن از وی سلب شود.^{۱۱۸}

۵-۲- رویه رژیم صهیونیستی

۵-۲-۱- قبل از مذاکرات کمپ دیوید

ترور هدفمند از زمان حضور رژیم صهیونیستی در عرصه بین‌المللی، از جانب آن مطرح و اجرا گردیده، تا آنجایی که رژیم صهیونیستی در برخی کشورهای عربی همسایه نیز اقدام به ترور رهبران فلسطینی و مبارزان فعال پرداخته است. از سال ۱۹۷۲ که یازده ورزشکار رژیم صهیونیستی به گروگان گرفته شدند، سیزده عضو یک گروه فلسطینی توسط موساد هدف‌گذاری و کشته شدند. نکته قابل تأمل در مورد رژیم صهیونیستی آن است که از ابتدا

117. H. Koh, "The Lawfulness of the US Operation against Osama Bin Laden," *OpinioJuris Blog*, May 19, 2011, <http://opiniojuris.org/2011/05/19/the-lawfulness-of-the-us-operation-against-osama-bin-laden/>.

۱۱۸. دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده‌ای علیه آلمان (Klass v. Germany) که در ارتباط با قانون نظارت محرمانه در زمان حملات تروریستی مطرح شده بود تأکید نمود که صلاحیت دولت در این مورد نامحدود نیست و دولت نمی‌تواند تحت نام مبارزه با تروریسم، هر اقدامی را که مناسب تشخیص می‌دهد، اتخاذ کند. دیوان آمریکایی حقوق بشر نیز در رویه خود اولویت رعایت حقوق بشر در مبارزه با تروریسم را مورد تأکید قرار داده است. رک: زمانی، پیشین، ۴۹-۵۰.

این اقدامات را به طور فراسرزمینی انجام داده است. برخی مصادیق ترورهای هدفمند در این برهه زمانی عبارتند از:

- ترور ابوجهاد: وی در ۱۶ آوریل ۱۹۸۸ در منزلش در تونس ترور گردید. تونس قضیه را در شورای امنیت مطرح نمود و در ۲۵ آوریل ۱۹۸۸، شورای امنیت قطعنامه‌ای به تصویب رساند که طی آن اقدام رژیم صهیونیستی به عنوان یک تجاوز ناقض منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل محکوم گردید. با این حال محکومیت مزبور در رویه رژیم صهیونیستی مانعی ایجاد نکرد و ترورها در فاصله ۱۹۸۷-۱۹۹۳ و بعد از آن ادامه یافت؛

- ترور FatihShikaki، رهبر جهاد اسلامی فلسطین در مالتا، اکتبر ۱۹۹۵؛

- ترور YahyaAyash، یکی از رهبران حماس در غزه، ژوئیه ۱۹۹۶؛

- ترور خالد مشعل، رهبر سیاسی حماس در اردن، ۱۹۹۷ که نافرجام بود.

با این حال در این برهه زمانی، در اغلب موارد رژیم صهیونیستی مداخله خود را در جریان ترور هدفمند انکار می‌کرد.

۵-۲-۲- بعد از مذاکرات کمپ دیوید

ترور Hussein Abayat در نوامبر ۲۰۰۰ انجام گرفت که رسماً توسط نیروهای دفاعی رژیم صهیونیستی مسئولیت آن پذیرفته شد و بیانیه رسمی‌ای توسط این نیروها صادر گردید. از آن پس نه تنها رژیم صهیونیستی مسئولیت ترورهای هدفمند را پذیرفت بلکه مکرر اعلام نمود که چنین ترورهای هدفمندی بخشی از سیاست بلندمدت رژیم صهیونیستی است.

وزیر دفاع رژیم صهیونیستی نیز در ۱۴ فوریه ۲۰۰۱، صریحاً اظهار کرد: «ما به سیاست خود برای کشتار افرادی که حملات را طراحی یا عملیاتی می‌کنند، ادامه می‌دهیم و کسی نمی‌تواند به ما درس اخلاق دهد. ما صد سال جنگ با تروریسم را پیش رو داریم.»

بنا بر گزارشات سازمان‌های حقوق بشری رژیم صهیونیستی و فلسطین، از ۱ نوامبر ۲۰۰۱ تا ۱ ژوئن ۲۰۰۷، سیاست رژیم صهیونیستی مبنی بر ترور هدفمند، منجر به قتل ۲۱۶ نفر هدف‌گذاری شده، گردیده است و در آن زمان اعلام گردید که ۱۴۸ نفر در نوبت قرار دارند و صدها نفر نیز زخمی شده‌اند.^{۱۱۹}

119. Orna Ben-Naftali and Keren R. Michaeli, "Justice-Ability: A Critique of the Alleged Non-Justiciability of Israel's Policy of Targeted Killings," *J Int Criminal Justice* 1 (2003): 368-405.

سیاست و رویه آمریکا و رژیم صهیونیستی در ترور هدفمند اشخاص در سطح گسترده، در عرصه داخلی و بین‌المللی مورد انتقادات بسیار قرار گرفته‌اند، از جمله سازمان‌های حقوق بشری، حقوقدانان، کمیسیون اروپایی حقوق بشر، دبیرکل ملل متحد، مجمع عمومی ملل متحد، کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر، شورای حقوق بشر، گزارشگران ویژه ملل متحد، حتی کمیته حقوق بشر ملل متحد انتقادات زیادی به رویه رژیم صهیونیستی و آمریکا وارد نموده‌اند.^{۱۲۰} همین امر حاکی از این واقعیت است که عملکرد آنها تا حد زیادی مخالف با رویکرد قابل قبول برای جامعه بین‌المللی بوده است و در بلندمدت منافع جامعه بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع حقوق بین‌الملل بشر مجموعه امتیازاتی است که با توجه به شأن و مقام انسان شکل گرفته است. فلسفه وجودی این حقوق، آن است که در سراسر جهان، همه افراد بشر به صورتی یکسان از این امتیازات بهره‌مند گردند. این حقوق که لازمه زیست اجتماعی انسان و رشد و شکوفایی همه‌جانبه شخصیت اوست در قالب مثلث آزادی، برابری و امنیت جای گرفته‌اند. در حوزه حقوق بین‌الملل بشر دولت‌ها به احترام و رعایت حقوق بشر تمام افراد موجود در قلمرو یا تحت صلاحیت خویش ملتزم شده‌اند. به واقع در اینگونه تعهدات نفع شخصی مستقیمی برای دولت‌ها ایجاد نمی‌شود و اصل تبادل یا تقابل و به تعبیری توازن میان حقوق و تعهدات هر دولت در قبال دولت‌های دیگر محملی ندارد.^{۱۲۱}

نتیجه

ترور هدفمند به معنای: «کاربرد نیروی کشنده توسط یک موضوع حقوق بین‌الملل با قصد، برنامه‌ریزی قبلی و عمد برای کشتن فردی اشخاص تعیین‌شده که در بازداشت مادی افراد ترورکننده نباشند»، از جمله موضوعات مطرح در نظام حقوق بشردوستانه است که ارتباط زیادی با موازین حقوق بشری نیز دارد، تا آنجا که این سؤال توجه بسیاری از حقوقدانان را به خود جلب نموده که نظام حقوقی حاکم بر ترور هدفمند کدام می‌باشد؟

از سوی دیگر ترور هدفمند با توجه به اینکه در روابط میان دولت‌ها یا طرف‌های متخاصم مطرح است، غالباً با اصل ممنوعیت توسل به زور و استثنائات آن نیز ارتباط پیدا می‌کند. یکی از مهم‌ترین دلایلی که برخی دولت‌ها از جمله آمریکا در توجیه ترور هدفمند به آن استناد

می‌کنند، دفاع مشروع می‌باشد، حال آنکه این امر در نظام حقوق بشردوستانه به منزله استثنائی بر اصل ممنوعیت توسل به زور و از اهمیت بالایی برخوردار است و دارای مفهوم مشخص و شرایط معینی می‌باشد، حقوقدانان معتقدند اقدام آمریکا در اغلب موارد در ذیل دفاع مشروع قابل توجیه نمی‌باشد چراکه، حملات به فاصله یک تا چند سال از واقعه ۱۱ سپتامبر انجام گرفته و این فاصله زمانی مانع از پذیرش توجیه دفاع مشروع است زیرا، در دفاع مشروع ضرورت و فوری بودن اقدام از جمله شرایط لازم می‌باشد. البته ترورهای هدفمند انجام گرفته توسط آمریکا پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، عمدتاً از نظر سیاسی و روانی با آن ارتباط داده می‌شوند که در نظام حقوق بین‌الملل چندان قابل قبول نمی‌باشد.

یکی از مسائل مهم در رابطه با ترور هدفمند شرایط نادیده گرفتن اصل تفکیک و حمله به غیرنظامیان است، چراکه در اغلب موارد دولت‌های مرتکب ترور هدفمند به موارد استثنای این اصل استناد می‌کنند، لذا از منظر حقوق بشردوستانه و خصوصاً با لحاظ تحولات اخیر لازم است موارد استثنای اصل ممنوعیت حمله به غیرنظامیان مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد. از جمله مواردی که چتر حمایتی حقوق بشردوستانه از غیرنظامیان برداشته می‌شود، احراز مشارکت مستقیم آنها در مخاصمه است. در رابطه با این مسئله که چگونه «مشارکت مستقیم در مخاصمات» محقق می‌شود و در نتیجه امکان حمله علیه غیرنظامیان به وجود می‌آید، در رأی دیوان عالی رژیم صهیونیستی با موضوع بررسی سیاست رژیم صهیونیستی در انجام ترور هدفمند، به نکات مهمی اشاره شده است. به نظر دیوان عالی، موضوع ترور هدفمند در ذیل نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار دارد و اصل تفکیک به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه باید اعمال شود و افراد شرکت‌کننده در مخاصمات متعهد هستند که در روند هدف‌گذاری، میان اهداف مشروع و غیرمشروع تفکیک قائل شوند و حملات مستقیم را فقط علیه اهداف مشروع نظامی سازمان‌دهی کنند.

همچنین از جمله اصول دیگری که باید مدنظر متخاصمین قرار گیرد، رعایت احتیاط و تناسب در حملات است. به این ترتیب که حتی در مورد حمله علیه غیرنظامیانی که مشارکت فعال در مخاصمه دارند، همانند نظامیان باید اصل احتیاط مورد توجه و اعمال قرار گیرد. نکته قابل تأمل دیگر در رابطه با ترور هدفمند آن است که آمریکا قصد دارد موقعیت خود را در مخاصمه مسلحانه «جهانی» با القاعده اثبات کند که مخاصمه مزبور از نظر زمانی و مکانی نامحدود می‌باشد. در حالی که این رویکرد در قضیه تادیج رد شده و بنابر اظهارات گزارشگر ویژه ملل متحد چنین ادعایی خطرات زیادی را متوجه جامعه بین‌المللی خواهد کرد،

چراکه این رویکرد برخی تعهدات دولت‌ها در قبال جامعه بین‌المللی را نادیده می‌گیرد و در عمل منجر به نقض حقوق و ارزش‌های بنیادین بشری خواهد شد. علاوه بر تعیین قلمروی زمانی و مکانی اعمال حقوق بشردوستانه، قلمروی زمانی و مکانی اعمال حقوق بشر نیز از جمله مسائل مهم در رابطه با ترور هدفمند است. زیرا برخی دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با محدود کردن قلمروی تعهدات حقوق بشری، شانه از بار مسئولیت ناشی از اقدامات خود در جهت نقض حقوق اساسی و مبنایی بشر خالی کنند. در مقابل ماهیت تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در دهه اخیر بیشتر مورد توجه برخی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است. نکته قابل تأمل آن است که رویکرد حقوق بشر به ترور هدفمند، ناظر بر ممنوعیت آن در ذیل تعهد به احترام و تضمین حق حیات انسانی است و موارد استثنای آن در چارچوب مخصصات مسلحانه و نظام حقوق بشردوستانه می‌باشد. البته در همه شرایط و از جمله در مخصصات نیز احترام به حیات انسانی و اهتمام برای ورود کمترین آسیب به آن، اولین و ضروری‌ترین ملاحظه‌ای است که باید در نظر گرفته شود. برخی معضلات رویه جاری در مورد ترور هدفمند عبارتند از: توسعه شرایط مشروعیت ترور هدفمند و فقدان مکانیزم‌های نظارتی اساسی بر وضعیت‌های اقدام به ترور هدفمند که خصوصاً با توجه به رویه اتخاذی آمریکا و رژیم صهیونیستی در چند دهه اخیر، نگرانی‌های زیادی را در جامعه بین‌المللی به همراه داشته است.

به این ترتیب تعهدات بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه که در نتیجه چندین دهه اهتمام و کوشش طاقت‌فرسای حقوقدانان و نهادهای بین‌المللی به عنوان تعهداتی با ماهیتی غیرمتقابل به رسمیت شناخته شده‌اند، با اقدام به ترور هدفمند در معرض تزلزل قرار گرفته‌اند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- جانسون، ایان. «دفاع «ضرورت» در گفتمان حقوقی بین‌المللی: مداخله بشردوستانه و مبارزه با تروریسم». ترجمه علیرضا ابراهیم‌گل. *مجله حقوقی* ۳۵ (۱۳۸۵): ۳۰۴-۲۶۷.
- حسن یاری، هوشنگ، لویی‌اس اسموگیه. ««جنگ دادگرانه» و «دکترین جنگ پیش‌دستانه» در روابط بین‌الملل: بررسی راهبرد آمریکا در جنگ علیه ترور». *فصلنامه مطالعات بین‌المللی* سال هفتم شماره ۱ (۱۳۸۹): ۵۲-۱.
- زمانی، سیدقاسم. «جایگاه موازین بین‌المللی حقوق بشر در مبارزه با تروریسم». *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۸ (۱۳۸۴): ۶۶-۴۱.
- سواری، حسن، مترجم. «مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین‌الملل: خطرات و فرصت‌ها». *مجله حقوقی* ۲۹ (۱۳۸۲): ۳۸۲-۳۳۱.
- عمرانی، سلمان. «پارادایم «جنگ علیه تروریسم» و کرامت انسانی». *فصلنامه سیاست خارجی* ۴ (۱۳۸۷): ۹۵۰-۹۲۹.
- قربان‌نیا، ناصر. «مواجهه با تروریسم: رویکرد نظامی، سیاسی و یا حقوقی». *نامه مفید* ۴۳ (۱۳۸۳): ۱۶۸-۱۴۱.
- مستقیمی، بهرام، روح‌الله قادری کنگاوری. «نقض حقوق بشر و گسترش تروریسم». *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی* دوره ۴۱، شماره ۱ (۱۳۹۰): ۲۷۰-۲۵۱.
- ممتاز، جمشید، بهزاد صابری انصاری. «تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل «منع تهدید و توسل به زور»». *فصلنامه راهبرد سال بیست و یکم* ۶۳ (۱۳۹۱): ۲۰۴-۱۷۵.
- موسوی، سیدفضل‌الله، مهدی حاتمی. «دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی* ۷۲ (۱۳۸۵): ۳۲۴-۳۰۳.
- هافمن، پل. «حقوق بشر و تروریسم». ترجمه علیرضا ابراهیم‌گل. *مجله حقوقی بین‌المللی* ۳۴ (۱۳۸۵): ۱۵۶-۱۴۱.

ب) منابع انگلیسی

- Ben-Naftali, Orna, Keren R. Michaeli. "Justice-Ability: A Critique of the Alleged Non-Justiciability of Israel's Policy of Targeted Killings." *J Int Criminal Justice* 1 (2003): 368-405.
- Cassese, Antonio. "On Some Merits of the Israeli Judgment on Targeted Killings." *J Int Criminal Justice* 5 (2007): 339-345.
- Cohen, Amichai, Yuval Shany. "A Development of Modest Proportions: The Application of the Principle of Proportionality in the Targeted Killings Case." *J Int Criminal Justice* 5 (2007): 310-321.
- Dinstein, Y.. *The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflict*. Cambridge: Cambridge University Press, 2004.
- Downes, Chris. "Targeted killings' in an Age of Terror: The Legality of the Yemen Strike." *J Conflict Security Law* 9 (2004): 277-294.

Fenrick, William J.. "The Targeted Killings Judgment and the Scope of Direct Participation in *Hostilities*." *J Int Criminal Justice* 5 (2007): 332-338.

Forrest Martin, Francisco. *International Human Rights and Humanitarian Law*. Cambridge: Cambridge University Press, 2006.

Henckaerts, J. M., Louise Doswald-Beck (editors). *Customary International Law*. Vol. 1. ICRC, Cambridge: Cambridge University Press, 2005.

Human Rights Committee, General Comment No. 31: the Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant, HRI/GEN/Rev.7, 29 March 2004.

Koh, H.. OpinioJuris Blog. "The Lawfulness of the US Operation against Osama Bin Laden." May 19, 2011. <http://opiniojuris.org/2011/05/19/the-lawfulness-of-the-us-operation-against-osama-bin-laden/>.

Kretzmer, David. "Targeted Killing of Suspected Terrorists: Extra-Judicial Executions or Legitimate Means of *Defence*?" *Eur J Int Law* 16 (2005): 171-212.

Melzer, Nils. *Targeted Killing in International Law*. Oxford: Oxford University Press, 2008.

Ramsden, Michael. "Targeted Killings and International Human Rights Law: The Case of Anwar Al-Awlaki." *J Conflict Security Law* 16 (2011): 385-406.

Report of the UN Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions of 22 December 2004 (E/CN.4/2005/7).

SCRes. 1373 (2001), 28 September 2001.

SG Report to the Security Council on Protection of Civilians in Armed Conflict, 28 May 2006.

UNHRC, General Comment No. 29 (2001).

UNSC Resolution 611 of 25 April 1988.

UNSG, Secretary - General Urges Middle East Parties to Avoid Escalation of Violence, Following Targeted Killings, Rocket Attacks, Press Release of 7 Feb. 2006, (SG/SM/10341).

Targeted Killing: Violation of Non-Reciprocity in Fundamental Obligations of Humanitarian Law and Human Rights

Dr. Haleh Hosseini Akbarnezhad

Lecturer at University
Email: halehhosseini555@yahoo.com

&

Dr. Hoorieh Hosseini Akbarnezhad

Assistance Professor of Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
Email: hooriehosseini@yahoo.com

The practice of targeting some persons and killing them has been criticized in recent years in the international community. Now targeted killing is defined as the use of lethal force attributable to a subject of international law with the intent, premeditation and deliberation to kill individually selected persons who are not in the physical custody of those targeting them and recognized as a clear violation of international human rights and international humanitarian law. It violates some fundamental rights of human beings such right to life and right to fair trial. Some basic rules of humanitarian law are also in conflict with this policy, for example it opposes the obligation of state for protection of civilians in armed conflicts and violates the principle of proportionality. UN human rights experts challenge targeted killing policies and consider it in relation to extrajudicial, summary or arbitrary Executions. Therefore non-Justiciability of the policy of targeted killing is reaffirmed in humanitarian law and human rights.

Keywords: Targeted Killing, Humanitarian Law, Human Rights, Right to Life.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVII, No. 3

2018-3

- **Development of Human Rights Generations in Decisions of the International Court of Justice**
Hossein Yazdani - Dr. Hossein Al-e-Kajbaf - Dr. Seyed Ghasem Zamani - Dr. Hassan Savari
- **Transfer of Ownership and Lease of Space Objects in Orbit in the Light of International Space Law**
Hosna Khalvandi - Dr. Seyed Hadi Mahmoudi
- **Relation between the Right to Food and Agricultural World Trade Policy: Cooperation or Confrontation?**
Dr. Farhad Talaie - Ali Razmkhah
- **A Legal-Economic Analysis of Article 21 of the Law Amending the Compulsory Insurance Act: Civil Liability of Motor Vehicle Owners**
Dr. Faysal Ameri - Moslem Haj Mohammadi
- **Transformation of the Meaning of the Theory of Separation of Powers to the Functional Concept**
Dr. Mohammad Reza Vjeh - Zohreh Sadat Amiraftebi
- **Equality and Non-Discrimination in Human Rights System**
Ali Saalari
- **Third-party Protest in Bankruptcy Order from a Judicial Perspective**
Dr. Nematolah Hajali - Abouzar Kohnavard
- **Targeted Killing: Violation of Non-Reciprocity in Fundamental Obligations of Humanitarian Law and Human Rights**
Dr. Haleh Hosseini Akbarnezhad - Dr. Hoorieh Hosseini Akbarnezhad
- **Researcher's Liability in term of Damages to Environment Associated with Scientific Investigations**
Kosar Firouzpour
- **The Methods for Breaking Negotiating Impasses and Solving Petroleum Conflicts**
Dr. Mohamad Alikhani
- **The Influence of Islamic Jurisprudence in the Formation of Common-Law**
Author: Borham Mohammad Ataollah - Translator: Hamzeh Amininasab



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study